
اشارات
۲۵

بسم الله الرحمن الرحیم

فصلنامه اشارات - شماره ۲۵ ویژه نامه «آغاز چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی»

نویسنده:

اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فصلنامه اشارات – شماره ۲۵ ویژه نامه «آغاز چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی»

مشخصات کتاب

فصلنامه اشارات ایام – شماره ۲۵ – زمستان ۱۳۹۶ – ۱۶۶ ش

ویژه نامه «آغاز چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی»

صاحب امتیاز: اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه

مدیر مسئول: دکتر محمدحسین ظریفیان یگانه

جانشین مدیر مسئول: حامد حجتی

سردبیر: عباس غلامی

عکس جلد: خانه طراحان انقلاب اسلامی ایران

با سپاس از: مریم سقلاطونی

با آثاری از: قیصر امین پور، سید حسن حسینی، جواد محدثی، ناصر حامدی، ابوالفضل سلیمانی، سید محمد جواد میری، زهره نوربخش، علی محمد مؤدب، احمد شهدادی، جواد محمدزمانی، ابراهیم قبله آرباطان و ...

بها: ۶۰۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، اداره کل پژوهش های اسلامی ص پ: ۳۱۳۳-۳۷۱۸۵

تلفن: ۳۲۹۱۵۵۱۱-۰۲۵ نمابر: ۳۲۹۱۵۵۱۰-۰۲۵

ص: ۱

اشاره



ص: ۲



ص: ۳

فهرست مطالب

یادداشت مدیر مسئول

در یک اشتباه تقریباً رایج، سال هاست که در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بیشتر، دستاوردهای «نظام جمهوری اسلامی» تبیین می شود تا دستاوردهای «انقلاب اسلامی»؛ و به جای آنکه در طول سال و در روزها و هفته های منتسب به ارکان نظام، مانند هفته های دولت، مجلس، قوه قضاییه و ... از فلسفه و ماهیت انقلاب اسلامی، فرصت ها و غفلت ها بگوییم، دهه فجر هر سال را فرصت مناسبی برای ارایه گزارش عملکرد دستگاه ها نظام سیاسی برخاسته از انقلاب اسلامی یعنی جمهوری اسلامی یافته ایم.

احداث هزاران پروژه عمرانی، ایجاد امکانات رفاهی در روستاها و شهرها، گسترش آموزش عمومی و عالی، رسیدگی به احوال محرومان، ارایه خدمات فراوان و متنوع در حوزه های مختلف به آحاد ملت، تسهیل در رسیدگی به مشکلات و دعاوی مردم، توجه به تقنین کارآمد و راهگشا و تأمین امنیت پایدار و هزاران هزار خدمت پرشمار، نمونه هایی از دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی است.

آنچه در این میان مهم است کارایی و اثربخشی این خدمات است که میزان کارآمدی نظام را معرفی می کند. سنجه این کارآمدی، عیار انقلابی بودن هر یک از خدمات است. در جمهوری اسلامی، هر اقدام و حرکت به هر میزان از عیار انقلابی گری، بهره مندتر شده، کاراتر و اثربخش تر بوده و لاجرم به کارآمدی نظام انجامیده است.

اگر یکبار، گذرگاه های پرپیچ و خمی که جمهوری اسلامی از استقرار سیاسی، غائله تجزیه طلبانه برخی قومیت ها، جنگ تحمیلی پرحادثه، محاصره نظامی و سیاسی و اقتصادی، بحران آفرینی های منافقین و لیبرال ها، مسأله قائم مقام رهبری، میراث شوم ویرانی های نظام طاغوت و جنگ، تهاجم و شبیخون و ناتوی گسترده و عمیق فرهنگی، مواجهه با سیاست های غیربومی اجتماعی و نسخه های ویران گر تعدیل اقتصادی، دعوت

جامعه به تجمل گرایی و اشرافی گری مسئولان، مسأله مبارزه جدی با مفاسد اقتصادی و مبارزه با فقر، فساد و تبعیض، هجمه عظیم به میراث اندیشه اسلامی ذیل سیاست های تساهل و تسامح، عرفی سازی ساحت های زندگی بشر گرفته تا فتنه های ۷۸، ۸۸ و نظایر آن را مرور کنیم؛ آنگاه خواهیم دانست که هرجا انقلابی رفتار کرده ایم، سربلند بوده ایم و هر جا از انقلابی گری فاصله گرفته ایم، نتیجه گوارا نبوده است.

اکنون و در آستانه ورود به چهلمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، جبهه شکر و سپاس به درگاه پروردگار می ساییم که به برکت عنایت حضرتش، ایمان دینی ملت بزرگ ایران و رهبری داهیانه امام راحل عظیم الشان رضوان الله علیه و خلف صالحش و وحدت، همدلی، بصیرت و آگاهی، نظام مقدس جمهوری اسلامی، گام های بلندی در مسیر نورانی تحقق آرمان های الهی خود برداشته است و البته گذرگاه های دشوار و پیچیده ای برای دستیابی به آرمان ها و اهداف تعالی بخش خود پیش رو دارد. گذرگاه هایی که نیاز مبرم به حفظ و تقویت روحیه انقلابی دارد و با تولید معرفت نسبت به اندیشه انقلاب اسلامی نقش اساسی در اقدام و عمل دارد.

اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه با درک این ضرورت، در میان ویژه برنامه های خود با موضوع گرامی داشت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، مجموعه آثار مکتوب و تولید رسانه ای را برای مخاطبان متنوع خویش اعم از پژوهشگران، برنامه سازان و فعالان فرهنگی رسانه ای تدارک دیده است که این شماره از فصلنامه ارزشمند و پرمخاطب «اشارات ایام» نمونه ای از فعالیت های پیش گفته است.

امید است این اثر مورد توجه و بهره برداری مخاطبان فهیم آن شود.

ص: ۶

سخن سردبیر

انقلاب اسلامی ایران، نفخه ای روحانی و امانتی الهی بود که با دمیده شدن «روحِ اللّه» به پیکر افسرده امت اسلام، حیات مجدّدی نه تنها به کالبد اسلام و مسلمین، که در پیکر بی رمق بشر معاصر ایجاد کرد و در حضیض اعتنای بشر به پیام های معنوی و انسانی انبیای عظام و اولیای کرام و در اوج ماده گرایی و اقتدار زر و زور و تزویر، معجزه ای رخ نمود و همه نگاه ها را به خود جلب کرد.

این معجزه الهی، فراتر از تأسیس حکومتی نو، امواج نوینی را ایجاد کرد که در استمرار حرکت انبیای الهی، تفسیر و تحلیل کردنی کرد.

با گذشت سه دهه پرفراز و نشیب از این انقلاب و در آستانه طلوع چهلمین سالگرد آن، می توان ادعا کرد که ایران اسلامی، همچنان کانون توجه جهانیان است.

در این میان، رسانه ملی با تولید و پخش برنامه های مختلف، نقش ارزنده ای در بازتاب این حرکت شکوهمند دارد. در همین راستا، اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه، همانند سال های پیش بر خود واجب دانست با آماده سازی و تدوین مجموعه ای ادبی درباره انقلاب اسلامی، به برنامه سازان رسانه ملی یاری برساند.

سرآغاز

نامه سید شهیدان اهل قلم، سیدمرتضی آوینی به برادرش درباره انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

برادر!

دلم می خواست امروز که ایران، این پسر گمشده، بعد از قرن ها می رود که به آغوش خانواده خویش بازگردد، در کنارم بودی و باهم زیر لوای اسلام عزیز و در کنار امام خمینی، این فرزند راستین محمد۹ و این نشانه خدا بر زمین، جهاد می کردیم:

گرفتار تاریکی بودیم که امام خمینی از قلب تاریخی که می رفت تا فراموش شود، چون محمد۹ فریاد برآورد که «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا» ـ همه به ریسمان خداوند چنگ بزنید و بیاویزید و پراکنده نشوید ـ و ما که هنوز دست وپا می زدیم تا به خویشتن خویش بازگردیم. از این سخن تازه شدیم و دریافتیم که آنچه می جستیم، یافته ایم و به یقین رسیدیم و حتی من که همواره بویی از محمد۹ در مشام داشتم در آغاز باور نمی کردم که در این ظلمتکده زمین بتوان نقبی به سوی نور زد ـ که ابعاد آنچه روی داد، آن هم گسترده بود که زمین را دربر می گرفت و خدا این تردید را که جز لمحه ای به طول نینجامید بر من ببخشاید ـ و برق یقین بی هیچ واسطه ای بر دلم نشست. همان گونه که بر کوه سینا، و ایمان آوردم.

برادر!

زمان گم شد و مکان و کویر بود و آن که دعوت به حق می کرد محمد۹ بود و خدا را شکر که گوش ایمان من به آوای الله آشنا بود و نمی دانی که چه خوش بود.

با همان عشقی که اباذر با محمد۹ بیعت کرد، ما به امام خمینی پیوستیم و برادر، او را ندیده ای؛ دست خداست بر زمین؛ آن همه به صفات خداوندی آراسته است که هنگامی که دست محبتش را بر سر شیفتگان بالا می آورد، سایه اش زمین و آسمان را

می پوشاند و آن زمان که از حکمت و عرفان سخن می گوید، می بینی که او خود نفس حقیقت است.

من بـوی خوشـش را از نزدیـک شـنیده ام و صـورتش را دیـده ام که قهر موسـی را دارد و لطـف عیسـی را و آرامش سـنگین محمد۹ را برادر!

ایران، مـادر تمـدن نوینی است که معیارهـا و مقیـاس هـایی دیگر دارد و حکمت و فلسـفه ای دیگر و هنری دیگر و... ادبیـاتی دیگر. من هرگز نمی توانم وسـعت مکتـبی و فرهنگی این انقلاب را در این نـامه تصور کنم. امـا برایت بـازهم خواهم نوشت، هرچند که وقتم بسیار تنگ است.

مادر به تو گفت (در پشت تلفن) که من کار پیـداکرده ام. این چنین نیست؛ من زندگی یافته ام. عشق خمینی بزرگ و عظمت فرهنگی آنچـه می گویـد، مرا آن چنـان شـیفته خودسـاخته است که نمی تـوانم جز به حکمـتی که در حـال تـدوین آن هسـتم بینـدیشم و جز به فرهنگی که در حـال احیـای آن هستیم... و این فرهنـگ آن همه بـا آن فرهنـگ کهنه و منحط غرب متفاوت است و آن همه با آن فاصـله دارد که نمی توان گفت. کارم درراه خـداست (فی سبیل الله) و برای آن پولی دریافت نمی کنم. تنهـا سـهمی انـدک از بیت المـال می برم که خورد و خوراک را بس باشـد و بس. جهـادی را که آغاز کرده ایم، امام خمینی «جهاد سازنـدگی» نام نهاده است. شمشـیرمان قلم است و بیل و کلنگ و درراه سازندگی ایرانی آزاد گام نهاده ایم؛ ایرانی که منشأ حرکت نوین تاریخ و خاستگاه فرهنگ نوینی است که دنیای تاریخ را سراسر در بر خواهد گرفت.

والسلام ــ برادرت مرتضی (۱۳۵۸)


Converted by Total Image Converter - (no stamps are applied by registered version)
بهمن
۲۲

ص: ۱۰

دهه فجر؛ در آینه اصول، سیاست ها و راهبردهای رسانه ای

الف) اصول و سیاست ها

برای بررسی موضوع دهه فجر ضرورت دارد چارچوب هایی بر فعالیت های رسانه ای حاکم باشد تا با سرعت و دقت بیشتر و با آسیب های کمتری به اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی دست یابیم. از طرفی ماندگاری پیام های رسانه به حداکثر ممکن برسد و ضریب نفوذ آن افزایش یابد.

اصول و سیاست‌ها	توضیحات
تقویت گفتمان ارزش‌های انقلاب اسلامی	تقویت گفتمان ارزش‌های انقلاب، یکی از وظایف مهم رسانه ملی است. امروزه در کشور ما مخلوطی از گفتمان ارزشی انقلاب و گفتمان مادی‌گرا و سودانگار[1] وجود دارد. گفتمان مادی‌گرا در بسیاری از موارد، آسیب‌های عمیقی بر پیکر جامعه وارد می کند. باید کوشید گفتمان مدرن غربی در جامعه کنار رود و غلبه با گفتمان ارزشی انقلاب باشد. با تحقق این آرمان، شاهد خواهیم بود که برآیند رفتارهای جامعه نیز در این گفتمان، شکل ارزشی به خود خواهند گرفت. رهبر معظم انقلاب درباره ضرورت و اهمیت گفتمان‌سازی فرمودند: «گفتمان یک جامعه، مثل هواست؛ همه تنفس می کنند، چه بدانند چه ندانند؛ چه بخواهند چه نخواهند. باید این گفتمان‌سازی انجام بگیرد، که البته نقش رسانه‌ها و... حتماً نقش بارز و مهمی است.»[2] در جامعه ما رسانه ملی نقش بسیار مهم و اساسی در این زمینه دارد.

اصول و سیاست ها

توضیحات

تقویت گفتمان ارزش های انقلاب اسلامی

تقویت گفتمان ارزش های انقلاب، یکی از وظایف مهم رسانه ملی است. امروزه در کشور ما مخلوطی از گفتمان ارزشی انقلاب و گفتمان مادی گرا و سودانگار(۱) وجود دارد. گفتمان مادی گرا در بسیاری از موارد، آسیب های عمیقی بر پیکر جامعه وارد می کند. باید کوشید گفتمان مدرن غربی در جامعه کنار رود و غلبه با گفتمان ارزشی انقلاب باشد. با تحقق این آرمان، شاهد خواهیم بود که برآیند رفتارهای جامعه نیز در این گفتمان، شکل ارزشی به خود خواهند گرفت. رهبر معظم انقلاب درباره ضرورت و اهمیت گفتمان سازی فرمودند: «گفتمان یک جامعه، مثل هواست؛ همه تنفس می کنند، چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. باید این گفتمان سازی انجام بگیرد، که البته نقش رسانه ها و... حتماً نقش بارز و مهمی است.»(۲) در جامعه ما رسانه ملی نقش بسیار مهم و اساسی در این زمینه دارد.

۱- ۱. این گفتمان در تفکرات غربی و مدرنیسم ریشه دارد که از طریق رسانه های غربی و برنامه های ماهواره ای آنها وارد کشور شده است و حتی در برخی برنامه های تولید داخل نیز خواسته یا ناخواسته، نشانه ها و شاخصه های آن را شاهدیم. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، نک: عباس معلمی، «سیمای خانواده، بررسی انتقادی تأثیرات تلویزیون بر خانواده»، ماه نامه سوره، ش۵۰ ــ ۵۱، ص۶۹؛ ابراهیم شفیعی سروستانی، زن و نظام سلطه و رسانه ها، فصل سوم کتاب.

۲ – ۲. سخنان مقام معظم رهبری در سومین نشست اندیشه های راهبردی، ۱۴/۴/۱۳۹۱. تأکید مقام معظم رهبری در این سخنرانی، بر گفتمان سازی برای مسئله زن و خانواده بوده است، اما به طور کلی برای نشر ارزش های انقلاب اسلامی نیز تقویت گفتمان ارزشی انقلاب، لازم و ضروری به نظر می رسد.

اصول و سیاست‌ها	توضیحات
تقویت انگیزه‌های درونی افراد برای عمل به ارزش‌های انقلاب اسلامی و نهادینه‌کردن آن در جامعه	برای هدایت و تقویت انگیزه‌های درونی افراد در عمل به ارزش‌های انقلاب، لازم است بحث از حرکت به‌سوی تمدن بزرگ اسلامی، به‌صورت جدی و در سطح فراگیر مطرح شود. رسانه ملی باید این بحث را در برنامه‌های مختلف بیان و ابعاد این موضوع و چشم‌انداز آن را برای مخاطبان، تشریح کند. با توجه به اینکه در دهه عدالت و پیشرفت هستیم و نام‌گذاری این دهه نیز معطوف به همین آرمان است، ارائه تصویری روشن و شاخصه‌هایی گویا از آن تمدن باشکوه و تبیین لزوم رسیدن به آن، انگیزه‌های درونی افراد جامعه را بسیار تقویت می‌کند و این از وظایف مهم رسانه ملی است. وقتی برای همه مردم روشن شود که تمدن اسلامی مبتنی بر فرهنگ اسلامی است و پایه فرهنگ اسلامی نیز ارزش‌های دینی و اسلامی است، به یقین، این امر، در تقویت انگیزه‌های درونی افراد برای رعایت ارزش‌های انقلاب اسلامی مؤثر خواهد بود. از سوی دیگر، ترویج و نهادینه‌سازی ارزش‌های انقلاب اسلامی در جامعه و تبدیل آن به فرهنگ عمومی نیز نیازمند اقدام‌های فرهنگی گسترده، متنوع و پیگیر است. در این زمینه، رسانه ملی نقشی بسیار مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر از دیگر نهادها و سازمان‌های فرهنگی دارد.
سیاست‌گذاری مناسب در زمینه معرفی و نهادینه‌سازی ارزش‌های انقلاب اسلامی	رسانه ملی اثرگذاری فراوانی در فرهنگ جامعه ما دارد و بسیاری از نوجوانان و جوانان، الگوهای خود را از میان بازیگران فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی انتخاب می‌کنند، ازاین‌رو رسانه ملی باید تلاش کند الگویی متناسب با ارزش‌های اسلامی و انقلابی به آنها ارائه دهد. رسانه ملی باید خود، پیشتاز رعایت کامل و مراقبت فرهنگی در این زمینه باشد و مدیران رسانه با سیاست‌گذاری و نظارت مناسب، از رعایت کامل این ارزش‌ها در مراحل تولید و پخش برنامه‌ها مطمئن شوند

تقویت انگیزه های درونی افراد برای عمل به ارزش های انقلاب اسلامی و نهادینه کردن آن در جامعه

برای هـدایت و تقـویت انگیزه هـای درونی افراد در عمـل به ارزش هـای انقلاب، لازم است بحث از حرکت به سوی تمـدن بزرگ اسلامی، به صورت جدی و در سطح فراگیر مطرح شود. رسانه ملی باید این بحث را در برنامه های مختلف بیان و ابعاد این موضوع و چشم انـداز آن را برای مخاطبان، تشریح کنـد. با توجه به اینکه در دهه عـدالت و پیشرفت هستیم و نام گذاری این دهه نیز معطوف به همین آرمان است، ارائه تصویری روشن و شاخصه هایی گویا از آن تمدن باشکوه و تبیین لزوم رسیدن به آن، انگیزه هـای درونی افراد جـامعه را بسیار تقویت می کنـد و این از وظـایف مهم رسـانه ملی است. وقتی برای همه مردم روشن شود که تمـدن اسـلامی مبتنی بر فرهنگ اسـلامی است و پایه فرهنگ اسـلامی نیز ارزش های دینی و اسـلامی است، به یقین، این امر، در تقویت انگیزه هـای درونی افراد برای رعـایت ارزش هـای انقلاب اسـلامی مؤثر خواهـد بود. از سوی دیگر، ترویـج و نهـادینه سازی ارزش های انقلاب اسـلامی در جامعه و تبـدیل آن به فرهنگ عمومی نیز نیازمنـد اقـدام های فرهنگی گسترده، متنوع و پیگیر است. در این زمینه، رسـانه ملی نقشـی بسـیار مهم تر و تعیین کننـده تر از دیگر نهادهـا و سازمـان هـای فرهنگی دارد.

سیاست گذاری مناسب در زمینه معرفی و نهادینه سازی ارزش های انقلاب اسلامی

رسـانه ملی اثرگـذاری فراوانی در فرهنـگ جـامعه ما دارد و بسـیاری از نوجوانان و جوانان، الگوهای خود را از میان بازیگران فیلم ها و سـریال های تلویزیونی انتخاب می کنند، ازاین رو رسانه ملی باید تلاش کند الگویی متناسب با ارزش های اسلامی و انقلابی به آنها ارائه دهـد. رسانه ملی بایـد خود، پیشـتاز رعـایت کامل و مراقبت فرهنگی در این زمینه باشـد و مـدیران رسانه با سیاست گذاری و نظارت مناسب، از رعایت کامل این ارزش ها در مراحل تولید و پخش برنامه ها مطمئن شوند

ب) راهبردها و راهکارها

راهبرد؛ مجموعه ای از فعـالیت هـای مـدیریتی در حوزه اهـداف و رویکردهـاست که به صورت طبیعی، همه اجزا را متـأثر می سـازد و البته در این نوشـته نـاظر به تکـالیف رسـانه ها در حوزه دهه فجر است. با این تعریف بایـد مهم ترین راهبردهای تحقق اهداف انقلاب را در رسانه ها بر اساس موارد زیر طراحی کرد:

ص: ۱۲

مهم ترین راهبردهایی که می تواند دست مایه تولید این برنامه ها باشد و البته به کارگیری آنها برای رویکردهای دیگر نیز مناسب است، به این شرح است:

ــ معرفی ارزش های انقلاب اسلامی و تجلیل از آنها؛

ــ بیان مصداق های ارزش های انقلاب اسلامی؛

ــ بیان مؤلفه های اقتدار انقلاب اسلامی؛

ــ بیان معرفی و تبیین ضد ارزش های انقلاب اسلامی؛

ــ بیان مبانی ارزش های انقلاب اسلامی؛

ــ بیان اهمیت ارزش های انقلاب اسلامی؛

ــ بررسی ضرورت عملی ساختن ارزش های انقلاب اسلامی؛

ــ بررسی آینده انقلاب اسلامی و ارزش های آن؛

ــ آسیب شناسی ارزش های انقلاب اسلامی؛

ــ بررسی نوع رابطه و تعامل ارزش های انقلاب اسلامی با ارزش های فرهنگ غرب؛

ــ بررسی موارد نفوذ و تأثیر ارزش های غربی در ارزش های انقلاب؛

ــ بررسی دلایل وقوع انقلابی با ماهیت ارزشی در کشوری با حکومت ضد ارزشی؛

ــ بررسی مقایسه ای ارزش های دینی و اسلامی و ارزش های انقلاب اسلامی با تأکید بر آیات و روایات و داده های تاریخی معاصر؛

ــ آثار و پیامدهای عمل به ارزش های انقلاب اسلامی در جامعه؛

ــ آثار و پیامدهای عمل نکردن به ارزش های انقلاب اسلامی در جامعه؛

ــ تأثیر تحقق ارزش های انقلاب اسلامی در رسیدن به تمدن اسلامی؛

ــ رابطه تمدن اسلامی با حکومت موعود جهانی؛

ــ عوامل اجتماعی روی آوردن مردم به ارزش های دینی و اسلامی؛

ـ بررسی وضعیت عمل به ارزش های انقلاب در دوره های پس از انقلاب؛

ـ وظایف و مسئولیت های نظام اسلامی در قبال ترویج ارزش های انقلاب اسلامی؛

ـ بررسی نقش و تأثیر سازمان ها و نهادهای عمومی، در رواج ارزش های انقلاب اسلامی؛

ـ آسیب شناسی عملکرد سازمان ها و نهادهای عمومی، در رواج ارزش های انقلاب اسلامی؛

ص: ۱۳

ـ نقش و تأثیر خانواده ها در رواج ارزش های انقلاب اسلامی؛

ـ آسیب شناسی عملکرد خانواده ها در رواج ارزش های انقلاب اسلامی؛

ـ راهکارهای کلی معرفی و ترویج ارزش های انقلاب اسلامی؛

ـ بررسی و نقد رویکرد رسانه های غربی به ارزش های انقلاب اسلامی؛

ـ میزان تأثیر رسانه های غربی بر ارزش های انقلاب اسلامی؛

ـ بررسی کارکرد مثبت و تأثیر ارزش های انقلاب اسلامی در جذب مردم و حرکت های اسلام گرایانه در جهان اسلام؛

ـ آشنایی با مؤسسات و پایگاه های اطلاع رسانی و افراد فعال در حوزه ارزش های انقلاب اسلامی؛

ـ بررسی وضعیت ارزش های دینی و اسلامی در دیگر کشورهای جهان اسلام؛

ـ بررسی سازوکار و چگونگی تأثیر رسانه ها در ارتقای سطح عمل به ارزش ها در جامعه؛

- تأکید رسانه بر منحصر به فردبودن انقلاب اسلامی؛

- بررسی اسلامی و مردمی بودن انقلاب اسلامی؛

- تفاوت انقلاب اسلامی با سایر انقلاب ها و جنبش ها؛

- تأکید و توجه به برکات انقلاب اسلامی؛

- بررسی اهمیت امنیت ملی در سایه سار انقلاب اسلامی؛

- بررسی دستاوردهای معنوی انقلاب اسلامی (خودباوری، نشاط و پویایی، امید، عزت نفس ملی، اقتدار)

- بررسی اهداف ضد اسلامی استکبار جهانی (مقابله با موج اسلام گرایی در جهان، نفی حکومت دینی، دامن زدن به اختلافات، القای فرهنگ (غفلت، بی بندوباری و بی دینی)، توطئه، براندازی، مأیوس کردن مردم از نظام، تهاجم به ارزش های اسلامی، کوچک کردن افتخارات بزرگ انقلاب اسلامی، ایجاد التهاب سیاسی، تضعیف ایمان ملت، موج تبلیغاتی علیه ایران و... .

در برنامه هایی که با رویکرد غیر مستقیم برای تبیین و ارتقای ارزش های انقلاب اسلامی در جامعه تولید می شوند، هدف اصلی، شکل گیری اعتقاد مردم بر پایه این ارزش ها و اجرای آنها در رفتار و عمل است که در چنین حالتی، فرهنگ جامعه، صورت

اسلامی و مذهبی می یابد. مهم ترین موضوعاتی که مناسب است در این زمینه به آنها پرداخته شود عبارت اند از:

ــ مبانی و اهمیت اخلاقیات و ارزش ها؛

ــ جایگاه رفتارهای اخلاقی در آموزه های اسلامی؛

ــ تأثیر اعتقاد به معاد در زندگی روزمره انسان ها؛

ــ ارزش ارتقای اخلاقی جامعه و فواید آن؛

ــ نقد و بررسی جوامعی با ارزش های مادی و اجتماعی؛

ــ ظرفیت ها و زمینه های جامعه اسلامی برای پیشرفت به سوی تمدن اسلامی.

در صورت بهره گیری مناسب و دقیق برنامه سازان از ساختارهای برنامه سازی چون مستند، ترکیبی، گفت وگو، میزگرد کارشناسی و پرسش و پاسخ، می توان این موضوع ها را به بهترین شکل، به مخاطبان رسانه ملی، به ویژه جوانان ارائه داد.

تجربه چندساله اخیر رسانه ملی در زمینه تولید نماهنگ ها، تیزرها و میان برنامه های انیمیشن (پویانمایی) و رئال (واقعی) در زمینه فرهنگ سازی یا اصلاح فرهنگ در موضوع های گوناگونی چون صرفه جویی در مصرف حامل های انرژی، زیان های مواد مخدر، زیان های استفاده بی رویه از بعضی داروها، فرهنگ ترافیکی و استفاده از کمربند ایمنی نشان داده است که این قالب های برنامه سازی، به ویژه اگر جذاب و باکیفیت ساخته شده باشند، در اصلاح ناهنجاری های اجتماعی و ترویج فرهنگ صحیح در حوزه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی بسیار مؤثر هستند،(۱) ازاین رو شایسته است در تلاش برای معرفی و نهادینه کردن ارزش های انقلاب اسلامی، درباره مصداق ها و شاخصه های این ارزش ها، چنین برنامه هایی با قالب هایی اثرگذار و جذاب تهیه و پخش شود.

برخی از موضوع هایی که با استفاده از این قالب ها می توان به آنها پرداخت، عبارت اند از:

ــ تک تک مصداق های ارزش های انقلاب، مثل وحدت و یکپارچگی، ایثار و جهاد، سازندگی، بصیرت و حضور دائمی در صحنه، پیروی محض از ولایت فقیه، حکومت اسلامی و... (در این زمینه می توان عوامل وحدت در بین مردم و از سوی دیگر عوامل

۱- ۱. همان، صص ۵۷ و ۵۸.

تفرقه در بین آنها را که خواست دشمن است، نمایش داد. برای دیگر مصداق ها نیز می توان به همین صورت عمل کرد)؛

ــ نمایش آثار مثبت پایبندی به ارزش های انقلاب؛

ــ آشناسازی جامعه با شگردهای دشمن برای تخریب ارزش های انقلاب، به ویژه در میان جوانان و آموزش این قشر برای مقابله با این روش های دشمن؛

ــ بیان آینده انقلاب اسلامی و توصیف تمدن اسلامی با استفاده از جلوه های هنری و شاعرانه.

ص: ۱۶



ص: ۱۷

گفتار مجری

انقلاب اسلامی از دریچه نگاه معمار انقلاب

نهضت امام حسین۷، حرکتی فرهنگی است که انسان ها را از درون دگرگون می کند، تغییری که بی شک، با دگرگونی بیرونی همراه است، تغییر انفسی که به تعبیر قرآن مجید به تغییر احوال می انجامد.

انقلاب اسلامی ایران نیز به اعتبار موقعیت امام خمینی= و کلمات و مواضع ایشان، نخست حرکتی فرهنگی است. ایشان نخست جان ها را متحول کرد و به دنبال آن توانست ساختار نظام سیاسی کشور را دگرگون کند. همان گونه که در نهضت عاشورا، جان انسان ها در پرتو چراغ شهادت و اسارتی ظاهری، روشنایی گرفت و شناسانده شد، در انقلاب اسلامی نیز عاشورا چراغ راه قرار گرفت و موجب انقلابی درونی شد. امام خمینی= به روشنی فرموده است:

آن چیزی که در اینجا حاصل شد و باید آن را جزو معجزات حساب کنیم، همان انقلاب درونی این ملت بود؛ انقلاب درونی این ملت موجب شد که انقلاب پیدا شود و همان انقلاب درونی آنها و شناخت آنها از اسلام و توجه آنها به خدای تبارک و تعالی موجب شد که در تمام این دوره ای که در آن هستیم، از اول که قیام شد و بعد به انقلاب مبدل شد و به پیروزی رسید، تا الان، روزبه روز می بینید که حضور ملت و تعبد ملت رو به افزایش است. این، نه برای انقلاب است، بلکه برای انقلاب درونی است. این موجب شد که انقلاب پیروز شود. پیروزی را باید از انقلاب درونی مردم جست وجو کنیم.(۱)

در دیدگاه امام خمینی=، محرم و عاشورا، بهترین الگو برای همه مسلمانان، آزادگان و حق جویان عالم، برای مقابله با طاغوتیان، قدرتمندان سلطه جو و ستمگران

۱- ۱. امام خمینی، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، گروه انتشارات، ۱۳۷۰، ج ۱۸، ص ۱۲.

تاریخ است. همچنین ایشان مکتب سیدالشهدا۷ را عامل اصلی حفظ اسلام و حیات اسلام را در گرو زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا و محرم می داند و دراین باره به همگان سفارش می کنند: «کربلا را زنده نگه دارید و نام مبارک حضرت سیدالشهدا۷ را زنده نگه دارید که با زنده بودن او اسلام زنده نگه داشته می شود.»(۱) همچنین در کلامی دیگر می فرمایند: «زنده نگه داشتن عاشورا، یک مسئله بسیار مهم سیاسی ـ عبادی است».(۲)

حضرت امام=، انقلاب اسلامی ایران را پرتویی از عاشورا و نهضت اباعبدالله الحسین۷ و حفظ آن را بر همگان واجب می داند. بر این اساس، شکست آن را به سان شکست اسلام، مستضعفان و تمامی ملت های مسلمان جهان دانسته و چنین سفارش کرده اند:

پیام من به ملت بزرگ و توده های عظیم انسان ها که پیروزی به دست پربرکت آنان تحقق یافت؛ آنان [که] اسلام عزیز را در این قرن، تجدید نمودند و همه، مرهون خدمات ارزنده آنان هستیم، این است که این اعجاز بزرگ قرن و این پیروزی بی نظیر و این جمهوری اسلامی، محتاج حفظ و نگهبانی است و آن هم به دست توانای شما که دست خداوند قادر با آن است، حاصل می شود.(۳)

توجه امام خمینی= به جلوه ها و ابعاد سیاسی ـ اجتماعی نهضت عاشورا که بی توجهی به آن موجب ضعف جامعه شیعی در مقابل ستمگران شده بود، این بار معنای دیگری یافت و در مدتی کوتاه توانست قدرت سیاسی و اجتماعی فرهنگ عاشورا را در از بین بردن حکومت های ستمگر به خوبی نشان دهد. امام خمینی=، در دهه چهل توانست عاشورا را به الگوی سیاسی بسیار کارآمد، نیرومند و مقدسی بر ضد نظام ستم شاهی تبدیل کند و به همه جهان نشان دهد که عاشورا در نهاد خود، امکانات و استعداد فراوانی برای تحریک سیاسی و اجتماعی توده ها بر ضد ستمگران دارد. ایشان در کتاب ـحکومت اسلامیـ خود، به روحانیان سفارش می کنند: «اسلام را عرضه بدارید و در عرضه آن به مردم، نظیر عاشورا را به وجود بیاورید و آن را که مکتب جهاد و دین و

۱- ۱. کلمات قصار: پندها و حکمت ها، ص ۵۸.

۲- ۲. همان.

۳- ۳. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۲۴.

مبارزه است، در اختیار مردم قرار دهید تا عقاید و اخلاق خودشان را از روی آن تصحیح کنند و به صورت یک نیروی مجاهد، دستگاه سیاسی جائر و استعماری را سرنگون کرده، حکومت اسلامی را برقرار سازند».(۱)

و به راستی که منویات معمار بزرگ انقلاب جامه عمل پوشید و آثار فراوانی به همراه آورد؛ به طوری که مارتین کرامر در این باره می نویسد: «آثار وسیعی که انقلاب اسلامی به وجود آورده است، نشان می دهد چگونه امام خمینی= برانگیزنده ترین موضوع های شیعه (عاشورا و شهادت) را برای [تقویت] جنبش خود به کار بسته است. سیاسی کردن مراسم سالیانه عاشورا، از نمونه های بارز این اقدام است.(۲)

ص: ۲۰

۱- ۱. امیررضا ستوده، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران، موسسه نشر امام خمینی، ۱۳۷۲، صص ۱۵۸ و ۱۵۹.

۲- ۲. مارتین کرامر، «تشیع، مقاومت و انقلاب»، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی دانشگاه تل آویو، ۱۹۸۴م، ص ۷۷.

اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی ایران

از آنجا که انقلاب ملت ایران به شیوه نهضت های انبیا و به گونه الهی انجام گرفته است؛ از این رو شایسته است قبل از ورود به بحث، به نهضت های انبیا و اولیا و اهداف نهضت آنان نگاهی بیفکنیم.

اهداف قیام انبیا و اولیا7: قرآن کریم از زبان شعیب پیامبر9 می فرماید: «من جز اصلاح ـ تا آنجا که توانایی دارم ـ نمی خواهم».(1)

بنابراین هدف انبیا جز اصلاح و سامان بخشیدن جوامع بشری نبوده است. در کلمات ائمه اطهار7 نیز همین هدف مطرح است. امام حسین7 در وصیت نامه معروفش خطاب به برادرش محمدبن حنفیه به نهضت خونین خود عنوان «اصلاح» داده اند.

اهداف انقلاب اسلامی ایران: هر انقلابی اهداف و آرمان هایی دارد که همه فعالیت ها و فداکاری هایش برای رسیدن به آن اهداف و آرمان ها صورت می گیرد: اعم از اینکه، به آنها برسد یا نرسد. انقلاب ایران نیز از این قانون مستثنی نیست. بنابراین اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی ایران عبارت اند از:

استقلال

استقلال نخستین کلمه از شعار اصلی انقلاب اسلامی است؛ یعنی ـ استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. البته استقلال به معنای آن نیست که بدون ارتباط با دیگران به هیچ یک از کشورهای دیگر نیازمند نباشیم. مقصود این است که کشور به ابرقدرت ها و کشورهای استعمارگر وابسته نباشد و تحت سلطه و قیمومیت آنها قرار نگیرد و مردم خود درباره مصالح شان تصمیم بگیرند. حضرت امام خمینی= درباره اهمیت استقلال می فرمایند:

۱- ۱. هود: ۸۸.

اگر ما استقلال کشور خودمان را به دست نیاریم و تضمین نکنیم سایر چیزها درست نخواهد شد. (۱)

استقلال اقسامی دارد: استقلال فکری، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی و استقلال نظامی.

استقلال فکری: استقلال فکری و فرهنگی از اقسام دیگر مهم تر است؛ زیرا تا وقتی ملتی استقلال فکری دارند، نمی توان آنها را تحت استعمار اقتصادی یا سیاسی کشاند. دشمن فرصت طلب نیز پس از ناامیدی از تهاجم نظامی و محاصره اقتصادی، در دهه سوم انقلاب به تهاجم فکری و فرهنگی رو آورد تا بتواند با نابودی استقلال فکری ملت ایران، مقاصد شوم خود را اجرا کند. معمار انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی= اهمیت استقلال فکری را این گونه بیان کرده اند:

تا این مملکت از این غرب زدگی بیرون نیاید، استقلال پیدا نمی کند... اگر بخواهید مستقل باشید، اگر بخواهید شما را به اینکه یک ملت هستید، بشناسند و بشوید یک ملت، از این تقلید غرب باید دست بردارید».(۲)

سید محمد مرتضوی در کتاب _شناخت انقلاب اسلامی_ می گوید:

استقلال فکری یعنی اینکه مردم از نظر فکری به این باور برسند که دیگران برتری ذاتی بر آنان ندارند و آنان نیز از دیگران چیزی کم ندارند و اگر همّت و پشتکار داشته باشند می توانند به نوآوری هایی برسند.(۳)

استقلال سیاسی: یعنی مدیران و سران کشور برای تهیه و تدوین برنامه ها و تعیین خط مشی های کشور از بیگانگان دستور نگیرند و آنان نتوانند در این زمینه ها دخالت کنند.

استقلال اقتصادی: به این معناست که تأسیسات زیربنایی کشور در بخش خدمات، صنعت، کشاورزی و معادن به قدری قوی باشد که برای تأمین نیازهای عمومی مردم به خارج نیازمند نباشیم و بتوانیم آنها را در داخل تأمین کنیم.(۴)

۱- ۱. صحیفه نور، ج ۴، ص ۴۷۳.

۲- ۲. همان، ج ۵، ص ۴۰۲.

۳- ۳. سیدمحمد مرتضوی، شناخت انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، صص ۲۷۹ _ ۲۸۶.

۴- ۴. همان.

آزادی

همه آزادی را دوست دارنـد. در پرتـو آزادی اسـتعدادهای انسـان شـکوفا و وجود او بـارور می شود. اگر نور آزادی به فطرت آدمی بتابد، آن را رشد می دهد و صاحبش را به سر منزل مقصود می کشاند. بنابراین آزادی وسیله است نه هدف. در انقلاب اسلامی نیز، آزادی از جمله شعارهایی بود که مردم خسته از استبداد شاهنشاهی با خون خود آن را بر در و دیوارها نوشتند و با زبان خود آن را سر دادند.

اسـلام نیز بر اصل آزادبودن و آزادزیسـتن بر اساس قانون، تأکیـد فراوان کرده است، امیرمؤمنان علی۷ در نامه ای به فرزنـدش امام حسن۷ می نویسد: «هرگز برده دیگری مباش، در حالی که خداوند تو را آزاد قرار داده است».(۱)

آزادی از جمله مفاهیمی است که در آن ابهام هایی وجود دارد که باید بیشتر به آن پرداخت.

آزادی را به دو گونه می توان وصف کرد: آزادی مطلق و آزادی در حدود قانون.

آزادی مطلق: به معنای رهایی از هرگونه قیـد و بنـد است تا افراد خودسـرانه هرچه بخواهنـد و پسـند کنند، بدون هیچ مانعی به دست آورنـد و راهی را که خود انتخاب می کننـد، برونـد. تنها معیار تشـخیص مصـلحت، نظر هر فرد است، هرچنـد بر خلاف مصالح دیگران باشد.

البته این گونه آزادی را هرگز عقلای جهان نمی پذیرند؛ زیرا به سلب آزادی منتهی می گردد و نتیجه معکوس می دهد.

آزادی معقول و مطابق فطرت انسانی، همان آزادی در حـدود قانون است. البته نه قانونی که مسـتکبران وضع کرده باشـند بلکه قـانونی که خداونـد، آن را بر اساس فطرت و مبانی حکمت وضع کرده یا از قوانین الهی نشئت گرفته است؛ قانونی که مصالح عمومی و منافع همگانی را بر اساس اصل عدالت اجتماعی تأمین کند.

اگر در شعارهای مردم در هنگام راهپیمایی ها دقت کنیم، درمی یابیم که «آزادی» درکنار «استقلال» و «حکومت اسلامی» قرار دارد، و این خـود گـواه خـوبی است که مردم مسـلمان ایران، آن گـونه آزادی را می خواسـتند که یـک سو اسـتقلال فکری و اقتصادی و سیاسـی را نفی نکنـد و از سوی دیگر مطابق با قوانین اسـلام باشد؛ یعنی قوانینی که برخاسـته از فطرت اصـیل انسان هاست.

۱- ۱. نهج البلاغه، نامه ۳، ص ۲۷۵.

جمهوری اسلامی

از جمله اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی ایران، جمهوری اسلامی است. این هدف نه تنها در شعارهای مردم به گوش می رسید، بلکه نشانه های دیگری نیز بر هدف بودن آن تأکید دارد؛ مانند تجمع مردم در مساجد و آغاز تظاهرات از آنجا، اعتنا نکردن به شعارهای چپ و راست و...

جمهوری اسلامی مرکب از دو کلمه است: «جمهوریت» که نشانه نوع حکومت است؛ یعنی رئیس کشور باید از طریق آرای مردم و انتخابات به قدرت برسد و روش های دیکتاتوری و شاهنشاهی در این حکومت جایی ندارد. واژه دوم «اسلامی» است که بیانگر محتوای حکومت است؛ یعنی مسئولان و حاکمان نظام باید بر اساس قوانین شرع اسلام که از قرآن، سنت، عقل و اجماع استخراج می شوند، قوانین جاری کشور را وضع و به اجرا بگذارند، بنابراین حکومت اسلامی یا جمهوری اسلامی بر دو پایه استوار است: آراء مردم و شرع اسلام. تخطی از هریک از این دو، مخالفت با جمهوری اسلامی است.

حضرت امام راحل= درباره ماهیت جمهوری اسلامی می فرمایند: «ماهیت حکومت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده است، با اتکا به آرای عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام است».(۱)

عدالت اجتماعی

انسان به طور فطری، عدالت طلب است. علاوه بر آن، شرع مقدس اسلام نیز بر اقامه عدل و مساوات تأکید فراوانی کرده است. در قرآن کریم آمده است: «به درستی که خداوند به عدل و احسان فرمان می دهد».(۲)

این آرمان انسانی به ویژه در مکتب تشیع به برکت وجود رهبران معصوم و عادل، بیش از پیش کانون توجه قرار گرفته است. از این رو مردم مسلمان ایران که از تبعیض ها، محرومیت ها و احساس حقارت در رژیم شاه به ستوه آمده بودند، خواهان نظامی اسلامی مبتنی بر عدالت اجتماعی بودند.

۱- ۱. آیین انقلاب اسلامی، ص ۱۴۲.

۲- ۲. نحل: ۹۰.

عـدالت اجتمـاعی به معنی تساوی در تمامی حقوقی و مزایا نیست بلکه عـدالت همان گونه که در کلام امام علی۷ آمده است، به معنی «وضع کلّ شی ء موضعه»(۱) است؛ یعنی هرچیزی باید در جایی باشد که مناسب اوست.

بنابراین، علاوه بر اینکه همه افراد جامعه بایـد از امکانات و فرصت های یکسان برخوردار باشـند، بایـد بنابر لیاقت و شایسـتگی هایش از مزایا نیز بهره مند شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورد معنای عدالت اجتماعی می فرمایند:

عـدالت اجتمـاعی بـدین معنی است که فاصـله ژرف میـان طبقـات و برخـورداری هـای نـابه حق و محرومیت هـا از بین برود و مستضـعفان و پابرهنگان که همواره مطمئن ترین و وفادارترین مـدافعان انقلاب انـد، احساس و مشاهده کنند که به سـمت رفع محرومیت، حرکـتی جـدی و صادقـانه انجـام می گیرد... همه کس احسـاس کنـد که در برابر ظلم و تعـدی، می توانـد به ملجأ مطمئن پناه برد و همه کس بدانند که با کار و تلاش خود خواهند توانست زندگی مطلوبی فراهم آورد.(۲)

ص: ۲۵

۱- ۱. نهج البلاغه، ص ۵۷۱.

۲- [۲] _ ره توشه انقلاب، صص ۳۶۴ _ ۳۶۵.

بشارت های قرآنی مبنی بر پیروزی مستضعفان

«مستضعفان» و «مستکبران» از منظر قرآن چه کسانی هستند؟

یکی از آیاتی که نوید پیروزی مستضعفان بر مستکبران را می دهد آیه ۵ سوره مبارکه قصص است. برای آشنایی با مفاهیم و مضامین این آیه نویدبخش که همه منتظران ظهور حضرت مهدی[آن را تحقق وعده بر حق الهی می دانند گذری بر _تفسیر نمونه_ آیت الله مکارم شیرازی داریم که برای عموم علاقه مندان ذکر می شود.

«وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

اراده و مشیت ما بر این قرار گرفته است که مستضعفان روی زمین منت نهیم و آنها را مشمول مواهب خود کنیم و آنها را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

چقدر این آیه و آیه بعد آن، گویا و امیدبخش است؛ چراکه به صورت یک قانون کلی و در شکل فعل مضارع و مستمر بیان شده است تا تصور نشود اختصاص به مستضعفان بنی اسرائیل و حکومت فرعونیان داشته، می گوید: ما می خواهیم چنین کنیم ... یعنی فرعون می خواست بنی اسرائیل را تار و مار کند و قدرت و شوکتشان را درهم بشکند، اما ما می خواستیم آنها قوی و پیروز شوند. او می خواست حکومت تا ابد در دست مستکبران باشد. اما اراده کرده بودیم که حکومت را به مستضعفان بسپاریم و سرانجام چنین شد.

ضمناً تعبیر «منت» به معنی بخشیدن مواهب و نعمت هاست و این با کار مذموم منت زبانی که بازگو کردن نعمت به قصد تحقیر طرف مقابل است، فرق بسیار دارد.

در آیات ۵-۶ سوره قصص، خداوند پرده از روی اراده و مشیت خود در مورد مستضعفان برمی دارد و پنج موضوع در این زمینه بیان می کند که با هم پیوند و ارتباط نزدیک دارند.

نخست اینکه ما می خواهیم آنها را مشمول نعمت های خود کنیم؛ «وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ»

دوم اینکه ما می خواهیم آنها را پیشوایان قرار دهیم؛ «وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً»

سوم اینکه ما می خواهیم آنها را وارثان حکومت جباران قرار دهیم؛ «وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ»

چهارم اینکه ما حکومت قوی و پابرجا به آنها می دهیم؛ «وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ»

و بالاخره پنجم که آنچه دشمنانشان از آن بیم داشتند و تمام نیروهای خود را بر ضد آن بسیج کرده بودند به آنها نشان دهیم؛ «وَنُرِی فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا یَحْذَرُونَ»

چنین است لطف عنایت پروردگار در مورد مستضعفان.

جباران مستکبر برای تحکیم پایه های سیاست جابرانه خود قبل از هر چیز سعی می کنند قربانیان خود را به استضعاف فکری و فرهنگی بکشانند، سپس به استضعاف اقتصادی، تا قدرت و توانی برای آنها باقی نماند و فکر قیام و گرفتن زمام حکومت را در دست و در مغز خود نپرورانند.

حکومت جهانی مستضعفان

آیات یاد شده، هرگز از یک برنامه موضعی و خصوصی مربوط به بنی اسرائیل سخن نمی گوید، بلکه بیانگر قانون کلی است برای همه اعصار و قرون و همه اقوام و جمعیت ها. آیه می فرماید: «ما اراده داریم که بر مستضعفان منت بگذاریم و آنها را پیشوایان و وارثان حکومت روی زمین قرار دهیم».

این بشارتی است در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر.

بشارتی است برای همه انسان های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم و جور.

نمونه ای از تحقق این مشیت الهی، زوال حکومت بنی اسرائیل و فرعونیان بود.

و نمونه کامل ترش تشکیل حکومت پیامبر اسلام۹ و یارانش بعد از ظهور اسلام و سقوط حکومت کنار بود؛ حکومت پا برهنه ها و تهی دستان باایمان و مظلومان پاکدل که پیوسته فراعنه آنها را تحقیر و استهزاء می کردند و بر آنها ظلم و ستم می کردند.

سرانجام خدا به دست گروه مظلومان، دروازه قصرهای کسراها و قیصرها را گشود و آنها را از تخت قدرت به زیر آورد و بینی مستکبران را به خاک مالید.

و نمونه گسترده تر آن، ظهور مهدی[و تشکیل حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین است.

این آیه به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می دهد، لذا در روایات اسلامی می خوانیم که ائمه اهل بیت: در تفسیر این آیه، به این ظهور بزرگ اشاره کرده اند.

در ـ نهج البلاغه ـ چنین آمده است: دنیا پس از چموشی و سرکشی ـ همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد ـ به ما روی می آورد. سپس آیه «وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ» را تلاوت فرمود.

و در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار۷ می خوانیم که در تفسیر آیه فوق فرمود: «این گروه آل محمد۹ هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود، برمی انگیزد و به آنها عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند.

مستضعفان و مستکبران چه کسانی هستند؟

واژه «مستضعف» از ماده «ضعف» است، اما چون به باب استفعال برده شده به معنی کسی است که او را به ضعف کشانده اند و در بند و زنجیر کرده اند.

به تعبیر دیگر «مستضعف» کسی نیست که ضعیف و ناتوان باشد؛ بلکه مستضعف کسی است که نیروهای بالفعل و بالقوه دارد، اما از ناحیه ظالمان و جباران سخت در فشار قرار گرفته است. با این حال، در برابر بند و زنجیر که بر دست و پای او نهاده اند، ساکت و تسلیم نبوده، پیوسته می کوشد زنجیرها را بشکند و آزاد شود، دست جباران و ستمگران را کوتاه سازد و آیین حق و عدالت را برپا کند.

خداوند به چنین گروهی وعده یاری و حکومت در زمین داده است، نه افراد بی دست و پا و ترسو که حتی حاضر نیستند فریادی بکشند تا چه رسد به اینکه پا در میدان مبارزه بگذارند و قربانی دهند.

بنی اسرائیل نیز آن روز که توانستند وارث حکومت فرعونیان شوند که گرد رهبر خود موسی۷ را گرفتند، نیروهای خود را بسیج کردند و همه صف واحدی را تشکیل دادند، بقایای ایمانی که از جدشان ابراهیم به ارث برده بودند با دعوت موسی۷ تکمیل و خرافات را از فکر خود زدودند و آماده قیام شدند.

البته مستضـعف انواع و اقسامی دارد: مستضعف فکری و فرهنگی، مستضعف اقتصادی، مستضعف اخلاقی و مستضعف سیاسی و قرآن بیشتر روی مستضعفان سیاسی و اخلاقی تکیه کرده است.

بدون شک، جباران مستکبر برای تحکیم پایه های سیاست جابرانه خود قبل از هر چیز می کوشند قربانیان خود را به استضعاف فکری و فرهنگی بکشانند، سپس به استضعاف اقتصادی، تا قدرت و توانی برای آنها باقی نماند و فکر قیام و گرفتن زمام حکومت را در دست و در مغز خود نپرورانند.

در ـنهج البلاغهـ چنین آمده است: «دنیا پس از چموشی و سرکشی ـ همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد ـ به ما روی می آورد... سپس آیه «وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ» را تلاوت فرمود.

در قرآن مجید در پنج مورد سخن از مستضعفان به میان آمده که عموماً از مؤمنانی سخن می گوید که زیر فشار جباران قرار داشتند. در یک جا مؤمنان را به مبارزه و جهاد در راه خدا و مستضعفان باایمان دعوت کرده، می گوید: «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که تضعیف شده اند پیکار نمی کنید؟ همان افراد ستمدیده ای که می گویند: خدایا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون بر، و برای ما از طرف خودت سرپرستی قرار ده و برای ما از سوی خودت یاوری تعیین فرما».

از این رو، تنها یک بار سخن از کسانی به میان می آورد که ظالم اند و با کافران همکاری دارند و ادعای مستضعف بودن نیز می کنند. قرآن ادعای آنها را نفی کرده، می گوید: شما می توانستید با هجرت کردن از منطقه کفر و فساد از چنگال آنها رهایی یابید؛ اما چون چنین نکردید جایگاه شما دوزخ است.

به هر حال قرآن همه جا از مستضعفان حمایت کرده و از آنها به نیکی یاد کرده است و آنها را مؤمنان زیر فشار می شمارد، مؤمنانی مجاهد و تلاش گر که مشمول لطف خدا هستند.

پیروزی نهایی حق بر باطل

«وَقُلْ جَاء الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا؛ و بگو حق فرا رسید و باطل نابود شد و باطل، نابودشدنی است».(۱)

۱- ۱. اسراء: ۸۱.

یکی از آرزوهای دیرین بشر، برچیده شدن بساط ظلم و بیدادگری از جامعه و حکم فرمایی صلح و آرامش و اجرای عدالت در سراسر جهان است.

این اندیشه، هماهنگ با سرشت انسان است. به همین دلیل، هرگاه برای گروهی از ملت ها زمینه قیام فراهم شده، با حکومت ظلم و جور مبارزه کرده اند، و نتیجه بسیاری از این مبارزه ها پیروزی اهل حق بوده است؛ این پیروزی ها دو مشکل دارد: اولاً در گوشه ای از جهان اتفاق افتاده است نه در سراسر جهان؛ و ثانیاً ممکن است همین گروه حاکم نیز به تدریج از اهداف خود دور شوند و دوباره طاغوتی دیگر بر مردم مسلط شود. بنابراین در طول تاریخ، مردم تحت سیطره زورمدارانی بوده اند که حکومت آنها بر ظلم و فساد و ناامنی پایه ریزی شده است. قرآن در این باره می فرماید: «إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ؛ پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند، آن را به فساد می کشند و عزیزان آن را ذلیل می کنند. کار آنها همیشه همین گونه است».(۱)

خداوندا در بسیاری از آیات، قرآن کریم با قاطعیت، نوید تحقق پیروزی نهایی و فرارسیدن روزی را می دهد که حق در سرتاسر جهان حکم فرما می شود و بساط حکومت باطل برچیده و صالحان وارث زمین می شوند. در روایات زیادی نیز که از فریقین نقل کرده اند، این پیروزی نهایی مربوط به قیام مهدی[است.

خداوندا برای روشن کردن چگونگی تحقق این وعده، باطل را به کف هایی تشبیه می کند که روی آب غوطه ورند و از بین می روند و حق را به آبی تشبیه می کند که سودمند است و در زمین باقی می ماند یا فلزاتی که آتش آن را ذوب می کند تا از آنها زینت آلات یا وسایل زندگی بسازند؛ آنها نیز کف هایی همانند کف های آب دارند.(۲)

تشبیهی که خداوند ذکر کرده است، برای فهم اینکه چرا حق ماندنی و باطل ازبین رفتنی است برای ما کفایت می کند. حق همچون آب و فلزاتی است که واقعیت دارد و باقی می ماند و باطل همچون کف های روی آب است که محکوم به هلاکت است. حق همچون آب و فلزات است که مفید، سودمند و باثبات است و باطل همچون کف هایی است که پر سر و صداست، اما توخالی، بی ریشه، بی فایده و بالاخره نابودشدنی

۱- ۱. نمل: ۳۴.

۲- ۲. رعد: ۱۷.

است. چون حق ریشه دار و باطل بی ریشه است. همان طوری که آب و فلزات کف ها را نابود می کند، در جریان حق و باطل نیز حق است که به باطل چیره می شود و باطل را از بین می برد. همچنان که خداوند می فرماید:

... بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ؛ ... بلکه ما حق را بر سر باطل می کوبیم تا آن را هلاک سازد، پس در این هنگام باطل نابود می شود.(۱)

در آیه مورد بحث نیز خداوند خبر از آمدن حق و نابودی باطل می دهد، با توجه به مطالبی که بیان شد روشن می شود که حق ماندگار است؛ زیرا توأم با واقعیت، صدق، درستی، دارای عمق و ریشه، هماهنگ با قوانین خلقت، باثبات، سودمند و از جانب خدا و تاییدات اوست و باطل مسئله ای از بین رفتنی است؛ زیرا موهوم، ساختگی، بی ریشه، میان تهی، بی فایده، ناهماهنگ با آفرینش، بی ثبات و از جانب شیطان است.

در اینجا سخن از سیطره حق بر باطل نیست؛ بلکه سخن از ظهور مطلق حق و نابودی کامل باطل است. باطل ممکن است مدت کوتاهی جلوه گری کند، اما بالاخره عمر او کوتاه است و خاموش می شود.

حق همانند درخت ریشه دار و پرباری است که طوفان ها و تندبادهای سهمگین هم نمی تواند او را از جا برکند و باطل، همانند درخت بی ریشه ای است که از زمین کنده شده و هیچ رشد و نمو و ثمره ای ندارد و از ثبات و قرار محروم است.

۱- ۱. انبیا: ۱۸.



دستاوردهای انقلاب ۵۷

یک

رهایی از سلطه نظام استکباری و استقرار نظام جمهوری اسلامی و استقلال کشور اولین دستاورد سیاسی مبتنی بر اراده مردم، پس از سقوط و حذف رژیم ستم شاهی و نقطه آغازین مشارکت جامعه در اداره امور حکومتی و در واقع نخستین گام از مراحل ایجاد نظام مردم سالاری دینی محسوب می شود و این دستاورد با احیای روحیه خودباوری در میان تودههای مردمی و توجه جدی به حقوق سیاسی و اجتماعی زنان و احیای شأن و منزلت معنوی جامعه، استحکام بیشتری یافت.

دو

با ظهور انقلاب اسلامی نه تنها روح تازه ای در کالبد اسلام و شیعه دمیده شد، بلکه تمام ادیان الهی جان تازه ای گرفتند و امیدها برای احیای مجدد معنویات در جهان قوّت گرفت؛ بنابراین عزت یافتن اسلام و دیگر ادیان آسمانی در دنیای تاریک بردگی نوین که انسان ها به تدریج به اسارت سرمایه داران درآمده بودند، دستاورد سیاسی و معنوی دیگری است که در حوزه سیاست خارجی باید به آن توجه کرد.

سه

اثبات اصل «نه شرقی، نه غربی» به عنوان یک اصل عملی و ممکن و احیای اسلام سیاسی به عنوان یک مدل قابل اتّکا در جهان معاصر و به موازات آن، ارتقای سطح امید و آگاهی سیاسی در ملل جهان و جهان اسلام، تحوّل در نظام بینالملل (برهم زدن موازنه قدرت به نفع مستضعفان جهان)، تأثیر بر نهضت های مردمی جهان و کمک به بیداری اسلامی و همچنین نقد سلطه امریکا در عرصه بین المللی و افزایش نفوذ و اقتدار جهانی و منطقهای ایران، نیز ستودنی است.

ص: ۳۲

در این رابطه جیمز ریچارد کارشناس روابط بین الملل چنین اظهار می کند: «ایران قدرت اول منطقه و بازیگر بسیار فعال و تأثیرگذار در سطح جهان است و قدرت و نفوذی که ایران در کشورهای منطقه دارد، امریکا ندارد. این نشان از دیپلماسی فعال ایران در بیش از سی سال گذشته بوده است».(۱)

چهار

طی عمر پر برکت انقلاب اسلامی، دستاوردهای جهشی متکی به معنویت این نظام الهی از چنان گستردگی و تنوعی برخوردار بوده که امروزه نه تنها اندیشمندان و صاحب نظران بی طرف غربی و شرقی، بلکه دشمنان قسم خورده این مرزوبوم نیز بر عظمت آن اذعان داشته و به کارآمدی روزافزون آن اعتراف دارند.

به عنوان مثال پاتریک سییل، تحلیلگر مسائل خاورمیانه در میدل ایست آنلاین ضمن تأکید بر اینکه ایران در حال تبدیل شدن به دموکراسی درخشان است، می نویسد: «این کشور تحت حاکمیت روحانیون، هم اکنون یکی از آزادترین، مدرن ترین و منسجم ترین کشورهای خاورمیانه محسوب می شود.».(۲) اندیشکده نومحافظه کار «امریکن اینتر پرایز» نیز در گزارشی به مسئولان امریکایی در زمینه جایگاه آینده ایران به عنوان مرکز توازن قدرت در منطقه هشدار می دهد و بر اینکه انقلاب اسلامی در حال تثبیت دستاوردهای خود است، تأکید می کند. افزون بر این وی اعلام می کند: «مهم تر از همه اینکه، ظاهراً امریکا آماده است تا برتری ایران در منطقه را به رسمیت بشناسد».(۳)

۱- ۱. نشریه اخبار و تحلیل، ۴/۹/۸۷.

۲- ۲. «حقایقی در مورد ایران پیشرفته با دستاوردهای غیر قابل انکار»، به نقل از روزنامه قدس، ۲/۲/۸۹.

۳- ۳. نقل از روزنامه کیهان، تاریخ ۲۶/۱۰/۱۳۹۲.

طرحی نو

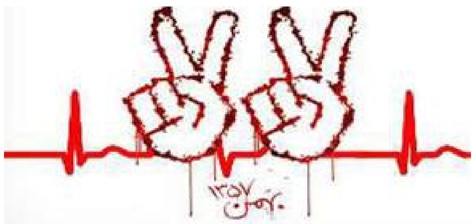
انقلاب اسلامی، طرحی نو در جهان معاصر بود و دهه فجر، نقشی تازه بر صحیفه تاریخ این سرزمین. بزرگی آن در نگاه دشمنان، خُرد جلوه کرد و آن را به چیزی نگرفتند، بدان خیال خام که فروغش به زودی خاموش می شود و همه چیز به جای اولش بازمی گردد، غافل از آنکه انقلابمان با جنبش های دیگر متفاوت بود؛ چراکه از نور، ارتزاق می کرد و از ملکوت لبریز بود.

امام این انقلاب و امت او نیز سرشار از خداخواهی و خودباوری بودند. به گفته الوین تافلر، جامعه شناس مشهور و معاصر امریکایی: «آیت الله خمینی به جهان می گفت که دولت ملی دیگر تنها یا حتی مهم ترین بازیگر صحنه جهانی به شمار نمی آید. ایران که خودش کشوری دارای حق حاکمیت است، این حق را دارد که به شهروندان کشورهای دیگری که همان قدر حق حاکمیت دارند، دستور دهد چه چیزی بخواهند و چه چیزی نخواهند. آنچه آیت الله خمینی واقعاً به ما می گفت این بود که دولت های دارای حق حاکمیت، به هیچ وجه حق حاکمیتی ندارند، بلکه در معرض حق حاکمیت عالی تر شیعه قرار دارند که وی خودش آن را تعریف می کرد».(1)

۱- ۱. الوین تافلر، جابه جایی قدرت، ۱۳۹۴، ص ۶۹۱.

خیابان انقلاب

احیای تمدن اسلامی موضوعی است که توجه تمام ملت های اسلامی را می طلبد. در این بین انقلاب اسلامی به عنوان الگویی برای بازشکوفایی تمدن اسلامی می تواند راهنما و راه گشاه باشد. تمدن نوین اسلام به معنای پیشرفت همه جانبه است؛ بنابراین باید در عرصه های مختلف، پیشرفت صورت بگیرد تا هرچه زودتر به مقصد برسیم. در این بین رهبر معظم انقلاب برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، توجه به چهار عرصهٔ فکر، علم، زندگی، معنویت را ضروری دانسته اند که هر کدام از این عرصه ها از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردارند. در هر کدام از این چهار عرصه ابتدا باید وضعیت موجود را بررسی و آسیب ها و ضعف های موجود را شناسایی کنیم تا در دام تکرار و تقلید گرفتار نشویم. سپس وضعیت مطلوب را در نظر بگیریم و برای رسیدن به آن برنامه ریزی کنیم. نیز نباید از این نکته غافل شد که که برای رسیدن به جایگاه موردنظر و بازشکوفایی تمدن اسلامی برنامه ای منظم و طولانی مدت همراه با رفع نکات ضعف، همکاری همه سازمان ها، نهادها، مردم و فرهنگ سازی نیاز است و همگان باید اهمیت این موضوع را درک کنند که این راهی نیست که یک شب و بدون فراهم آوردن مقدمات طی شود. عمل به این امور و همکاری همه جانبه سبب پیشرفت جوامع اسلامی و در نهایت به تمدن نوین اسلامی ختم می شود.



رابطه ارزش ها و انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی

از دیدگاه اسلام، هدف از آفرینش انسان، تحقق ارزش های متعالی در وجود وی و تلاش و مجاهدت او برای رسیدن به قرب الهی است و هدف غایی، هم در رفتارهای فردی و هم در تعامل های اجتماعی، همین امر است. در عرصه جامعه، تنها هدف محوری و غایی از تشکیل حکومت و نهاد های اجتماعی، زمینه سازی برای تحقق ارزش های انسانی است. ایجاد این حکومت اسلامی و هدف از آن، در واقع در راستای اعتلای مقام انسانیت و رسیدن به آرمان های مدینه فاضله است. برای رسیدن به جامعه ای که در آن، ارزش های انسانی در جایگاه واقعی خود باشند و برای انسان و انسانیت برنامه داشته باشد، راهی جز تشکیل این حکومت ها نیست. اسلام نیز مدعی است برای سعادت دنیا وآخرت انسان ها برنامه سیاسی، اجتماعی و اخلاقی دارد که پای بندی به این احکام در همه ابعاد، چه در جنبه حکومتی و چه در ابعاد کوچک تر مثل خانواده، سعادت و آرامش را به دنبال دارد.

ص: ۳۶

رهبر انقلاب از بازگشت امام= به ایران می گویند

یکی از خاطرات خیلی جالب من، شب اوّلی است که امام وارد تهران شدند؛ یعنی روز دوازدهم بهمن ـ شب سیزدهم ـ شاید اطّلاع داشته باشید و لابد شنیده اید که امام، وقتی آمدند، به بهشت زهرا رفتند و سخنرانی کردند، بعد با هلی کوپتر بلند شدند و رفتند.

تا چند ساعت کسی خبر نداشت که امام کجا هستند! علّت هم این بود که هلی کوپتر، امام را در جایی که خلوت باشد برده بود؛ چون اگر می خواست جایی بنشیند که جمعیت باشد، مردم می ریختند و اصلاً اجازه نمی دادند که امام، یک جا بروند و استراحت کنند. می خواستند دور امام را بگیرند.

هلی کوپتر در نقطه ای در غرب تهران رفت و نشست، بعد اتومبیلی امام را سوار کرد. همین آقای «ناطق نوری» اتومبیلی داشتند، امام را سوار می کردند ـ مرحوم حاج احمد آقا هم بود ـ امام می گویند: مرا به خیابان ولی عصر ببرید؛ آنجا منزل یکی از خویشاوندان است. درست هم بلد نبودند؛ می روند و سراغ به سراغ، آدرس می گیرند، بالاخره پیدا می کنند ـ منزل یکی از خویشاوندان امام ـ بی خبر، امام وارد منزل آنها می شوند!

امام هنوز نماز هم نخوانده بودند ـ عصر بود ـ از صبح که ایشان آمدند ـ ساعت حدود نه و خرده ای ـ و به بهشت زهرا رفتند تا عصر، نه ناهار خورده بودند، نه نماز خوانده بودند، نه اندکی استراحت کرده بودند! آنجا می روند که نمازی بخوانند و استراحتی بکنند. دیگر تماس با کسی نمی گیرند؛ یعنی آنجا که می روند، با کسی تماس نمی گیرند. حالا کسانی که در این ستادهای عملیاتی نشسته بودند ـ ماها بودیم که نشسته بودیم ـ چقدر نگران می شوند! این دیگر بماند. چند ساعت، هیچ کس از امام خبر نداشت؛ تا بعد بالاخره خبر دادند که بله، امام در منزل فلانی هستند و خودشان می آیند، کسی دنبالشان نرود!

ص: ۳۷

من در مدرسه رفاه بودم که مرکز عملیاتِ مربوط به استقبال از امام بود ـ همین دبستان دخترانه رفاه که در خیابان ایران است که شاید شما آشنا باشید و بدانید ـ آنجا در یک قسمت، کارهایی را که من عهده دار بودم، انجام می گرفت؛ دو، سه تا اتاق بود. ما یک روزنامه روزانه منتشر می کردیم. در همان روزهای انتظار امام، سه، چهار شماره روزنامه منتشر کردیم. عدّه ای آنجا بودیم که کارهای مربوط به خودمان را انجام می دادیم.

آخر شب ـ حدود ساعت نه ونیم، یا ده بود ـ همه خسته و کوفته، روز سختی را گذرانده بودند و متفّرق شدند. من در اتاقی که کار می کردم، نشسته بودم و مشغول کاری بودم؛ ناگهان دیدم مثل اینکه صدایی از داخل حیاط می آید ـ جلوِ ساختمان مدرسه رفاه، یک حیاط کوچک دارد که محل رفت و آمد نیست؛ البته آن هم به کوچه در دارد، لیکن محل رفت و آمد نیست ـ دیدم از آن حیاط، صدای گفت وگویی می آید؛ مثل اینکه کسی آمد، کسی رفت. پا شدم ببینم چه خبر است. یک وقت دیدم امام از کوچه، تک و تنها به طرف ساختمان می آیند! برای من خیلی جالب و هیجان انگیز بود که بعد از سال ها ایشان را می بینم ـ پانزده سال بود، از وقتی که ایشان را تبعید کرده بودند، ما دیگر ایشان را ندیده بودیم ـ فوراً در ساختمان، ولوله افتاد؛ از اتاق های متعدّد ـ شاید حدود بیست، سی نفر آدم، آنجا بودند ـ همه جمع شدند. ایشان وارد ساختمان شدند. افراد دور ایشان ریختند و دست ایشان را بوسیدند. بعضی ها گفتند که امام را اذیّت نکنید، ایشان خسته اند.

برای ایشان در طبقه بالا اتاقی معیّن شده بود ـ که به نظرم تا همین سال ها هم مدرسه رفاه، هنوز آن اتاق را نگه داشته اند و ایام دوازده بهمن، گرامی می دارند ـ به نحوی طرف پله ها رفتند تا به اتاق بالا ـ بروند. نزدیک پاگرد پله که رسیدند، برگشتند طرف ما که پای پله ها ایستاده بودیم و مشتاقانه به ایشان نگاه می کردیم. روی پله ها نشستند؛ معلوم شد که خود ایشان هم دلشان نمی آید که این بیست، سی نفر آدم را رها کنند و بروند استراحت کنند! روی پله ها به قدر شاید پنج دقیقه نشستند و صحبت کردند. حالا دقیقاً یادم نیست چه گفتند. به هرحال، «خسته نباشید» گفتند و امید به آینده دادند؛ بعد هم به اتاق خودشان رفتند و استراحت کردند.

البته فردای آن روز که روز سیزدهم باشد، امام از مدرسه رفاه به مدرسه علویِ شماره دو منتقل شدند که برِ خیابان ایران است ـ نه مدرسه علوی شماره یک که همسایه رفاه است ـ و دیگر رفت و آمدها و کارها، همه آنجا بود. این خاطره به یادم مانده است. (۱۴/۱۱/۱۳۷۶)

ص: ۳۸



گروهی به نام «سازمان کماندویی مبارزه در راه قانون اساسی» با دفتر خبرگزاری آسوشیتدپرس تماس گرفته و هشدار می دهد که اگر آیت الله خمینی قصد داشته باشد از پاریس به سمت تهران پرواز کند، هواپیمای حامل ایشان را منهدم خواهند کرد. در پی این تهدید ها، امام خمینی= به نزدیکان و همراهان خود فرمودند»: «من بیعت خود را از شما برمی دارم، ما به طرف کار بزرگی می رویم. شما هم جانتان را به خطر نیندازید» ایران در انتظار امام خمینی= غرق سرور است. مردم تهران به شوق ورود امام، خیابان ها را آب و جارو می کنند، خط های سفید وسط خیابان تا کیلومتر ها تمیز شده و مردم مسیر حرکت امام را پر از گل کرده اند. ساعت نه و بیست و هفت دقیقه صبح، امام وارد خاک ایران شد.

۱۳ بهمن

بختیار در واکنش به استقبال عمومی مردم از ورود امام، پی درپی با انجام مصاحبه و صحبت در مورد برنامه های آتی خویش سعی در عادی جلوه دادن اوضاع دارد. مردم چشم و گوش به مدرسه علوی دوخته اند. جمعیت مشتاق به دیدار، اما آنقدر زیاد بودند که کوچه های اطراف مدرسه علوی مملو از آدم شده است. مردم پارچه های دست نویسی روی دیوار ها نصب کرده اند که روی شان نوشته شده است: «زیارت قبول، با یک بار زیارت امام این توفیق را به دیگران هم بدهید».

ص: ۳۹

۱۴ بهمن

در تمام کشور مردم به اعتصاب عمومی دست زده اند. کارکنان ادارات و وزارت خانه های مختلف، وزیران و مدیران دولت را به محل کار خود راه نمی دهند. جواد شهرستانی، شهردار وقت تهران، به دیدار امام می رود و استعفانامه اش را به ایشان تسلیم می کند و البته دوباره از سوی امام شهردار می شود. بختیار از انتشار این خبر و احتمال اینکه سرمشق دیگر زیر دستانش قرار گیرد به شدت می ترسد و طی یک مصاحبه شروع به ناسزاگویی به جواد شهرستانی می کند و سایر کارمندان و مسئولان دولت خویش را تهدید می کند. با همه اینها شهردار تهران، تنها کسی نبود که به مدرسه علوی (محل سکونت امام) روی آورد.

۱۵ بهمن

بختیار تمام پایگاه هایش را از دست داده و همچنان با انجام دادن مصاحبه های مختلف سعی دارد قدرت خود را به رخ بکشد. محورهای مورد تأکید و تهدید او در مصاحبه ها اینها هستند:

ـ به آیت الله خمینی اجازه تشکیل دولت موقت را نمی دهم.

ـ کسانی را که جنگ داخلی راه بیندازند اعدام می کنم.

ـ تمام نظرات امام خمینی را در لباس قانون تحقق می بخشم.

امام در پاسخ تهدید های دولت فرمودند: «من باید نصیحت کنم که دولت غاصب کاری نکند که مجبور شویم مردم را به جهاد دعوت کنیم. ما از ارتش می خواهیم هرچه زودتر به ملت متصل شوند. آنها فرزندان ما هستند. ما به آنها محبت داریم...» امام همچنین در سخنرانی ها و دیدار هایشان با مردم، اصول سیاست هایشان را این گونه بیان فرمودند: «تمام اتباع خارجی در ایران به صورت آزاد زندگی خواهند کرد. ما برای اقلیت های مذهبی احترام قائل هستیم. نظر من راجع به رادیو و تلویزیون و مطبوعات این است که در خدمت ملت باشند. دولت ها حق هیچ نظارت ندارند...».

۱۶ بهمن

ده ها خبرنگار داخلی و خارجی، گروه های مختلف مردم و جمعی از نزدیکان امام در سالن مدرسه علوی اجتماع کرده اند. آیت الله هاشمی رفسنجانی حکم نخست وزیری مهندس مهدی بازرگان را قرائت می کند. در حالی که مردم هر لحظه به پیروزی نزدیکشان امیدوارتر می شوند، جمعی از تیمساران ارتش در حال فراهم کردن مقدمات اجرای طرحی با حمایت مستقیم آمریکا برای دستگیری امام و کشتن مردم هستند. اعضای شورای انقلاب؛ آیت الله دکتر بهشتی، آیت الله مطهری و مهندس بازرگان با تماس های مداوم با فرماندهان ارتش سعی می کنند ارتش را بدون خونریزی، متحد ملت کنند. مردم با گُل و اشک و شعار به استقبال ارتشیان می روند.

۱۷ بهمن

مردم در خیابان ها و در حمایت از دولت بازرگان تظاهرات می کنند. شعارها علیه بختیار است، مردم بختیار را نمی خواهند. بختیار سعی دارد به مردم بفهماند در انجام دادن وعده های خود کوشاست. به همین منظور در جلسه مجلس حضور می یابد و نمایندگان در حضور بختیار، طرح های انحلال ساواک و دستگیری نخست وزیران و وزیران دولت، که از سال ۱۳۴۱ تا آن سال متهم به سوء استفاده از قدرت بودند، تصویب می کنند.

۱۸ بهمن

امام خمینی فرمان داده اند نام اشخاصی که به نوعی به کشور و مردم خیانت کرده اند افشا شود. با تلاش مردم و متخصصان، فرستنده ای سیار در مدرسه علوی راه اندازی می شود. اینجا تهران، کانال انقلاب!

۱۹ بهمن

بختیار دستور تیراندازی به سمت مردم را می دهد. در بعضی از نقاط کشور به سمت مردم تیراندازی می شود. عده زیادی از همافران و افراد نیروی هوایی، با لباس های نظامی و

در میـان شادی و حیرت مردم به اقامت گاه امام رفتنـد. امام خمینی در این دیـدار، خطاب به همافران فرمودنـد: «همان طور که گفتیـد تا حالا در اطاعت طاغوت بودیـد، حال به قرآن پیوستید. قرآن حافظ شـماست. امیدوارم با کمک شـما بتوانیم در اینجا حکومت اسلامی را برقرار کنیم».

۲۰ بهمن

پس از خبر سـاعت ۲۰، تصـاویری از دوران اقـامت امام خمینی در پاریس از شـبکه سراسـری تلویزیون پخش شـد. هم زمان با پخش تصویر امام خمینی، همافران نیروی هوایی در پادگان، فریاد «الله اکبر» سر دادند. شعار همافران در حمایت از امام خمینی بـاعث خشم افسـران و کارکنـان ضـد اطلاعات نیروی هوایی شـد. اخطارهای تنـد آنان به همافران، به درگیری و تیرانـدازی و ورود گـارد شاهنشـاهی منجر شـد. بـا بالاـگرفتن درگیری، مردم برای کمـک به همـافران ارتش وارد پادگـان شدنـد؛ امـا لوله مسلسل گارد شاه به سمت مردم چرخید و آنها را هدف گلوله قرار داد. درگیری تا صبح ادامه داشت...

۲۱ بهمن

ساعت ۱۰ صبح اسلحه خانه نیروی هوایی به همت مردم و کمک همافران فتح شد. ساعاتی بعد کلانتری های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۶ و کلانتری نارمک به دست مردم افتاد.

مردم تانک ها و نفربرها را به خیابان ها آوردند و به یکدیگر روحیه می دهند. فرمانداری نظامی که دست پاچه شده است، در آخرین اعلامیه اش که بارها از رادیو پخش شد، ساعت منع عبور و مرور را چهار و نیم عصر اعلام کرد. امام خمینی در پاسخ به دسـتور فرمانـداری پیامی به این شـرح صادر فرمودنـد: «اعلامیه امروز حکومت نظامی، خـدعه و خلاف شـرع است؛ مردم به هیـچ وجه به آن اعتنـا نکننـد، برادران و خواهران عزیزم، هراسـی به خود راه ندهیـد که به خواست خداونـد تعـالی، حق پیروز است».

مردم خیابان ها را ترک نکردند.



تهران و اغلب شهرستان ها همچنان صحنه جنگ خونین مردم و نیروهای مسلح بود. از غروب روز بیستم، کسی خیابان ها را ترک نکرده بود. در حالی که حملات مردم مسلح به تمام مراکز قدرت رژیم شدیدتر می شد، خبر رسید که ستاد ژاندارمری واقع در میدان بیست و چهار اسفند (انقلاب) به دست افراد نیروی هوایی، دریایی و مردم افتاده است. پس از ساعت ها زد و خورد، پادگان عشرت آباد به تصرف مردم در آمد و بر اثر حملات مردم به تسلیحات ارتش،کارخانه ها و انبارهای اسلحه به دست مردم افتاد. سرانجام درحالی که همه خیابان ها شاهد حضور جوانان مسلح بود، در ساعت ده ونیم صبح، شورای عالی ارتش با شرکت رئیس ستاد، وزیر جنگ و اکثر فرماندهان تشکیل جلسه داد و پس از مذاکرات بسیار، طی اعلامیه ای بی طرفی ارتش را اعلام کرد: «با توجه به تحولات اخیر کشور، شورای عالی ارتش در ساعت ده و نیم امروز بیست و دوم بهمن سال هزار و سیصد و پنجاه و هفت، به اتفاق آراء تصمیم گرفته شد که برای جلوگیری از هرج ومرج و خونریزی بیشتر، بی طرفی خود را در مناقشات سیاسی فعلی اعلام کند و به یگان های نظامی دستور داده شد به پادگان های خود مراجعت نمایند. ارتش ایران همواره پشتیبان ملت شریف و نجیب و وطن پرست ایران بوده و خواهد بود و از خواسته های ملت شریف با تمام قدرت پشتیبانی می نماید.» این اعلامیه زمانی از رادیو پخش شد که شهر پر بود از مردم مسلحی که سوار برخودروهای نظامی بودند. همچنین کاخ گلستان، مرکز رادیو ایران و ژاندارمری کل کشور در دست مردم بود. شهربانی کل کشور، دانشکده افسری، دانشکده پلیس و دبیرستان نظام نیز به دست نیروهای مردمی فتح شد. مردم، زندان کمیته [کمیته مشترک ضدخرابکاری] را که مرکز بازجویی و شکنجه متهمان سیاسی بود، به تصرف درآوردند و زندانیان را آزاد کردند. تا غروب این روز، تمام کلانتری ها، پادگان ها، پاسگاه ها و مراکز نظامی به دست مردم افتاد. زندان قصر، زندان جمشیدیه نیز تصرف شد و زندانیان آنها فرار کردند، اما توسط مردم دستگیر شده و به مدرسه رفاه ــ محل شورای انقلاب ــ برده شدند. فرمانداری نظامی آخرین اطلاعیه خود را صادر کرد. به موجب این اطلاعیه از نظامیان خواسته شد برای اجرای تصمیم شورای عالی ارتش

به پادگان های خود برگردنـد. درحالی که مردم به سوی کاخ نخست وزیری در حرکت بودند، بختیار که پس از فرار نظامیان بـا تعـداد کمی محافظ تنها مانـده بود، ناهار خود را نیمه تمام رها کرد و از در پشتی ساختمان نخست وزیری گریخت. سـپهبد رحیمی (فرمانـدار نظامی تهران و رئیس شـهربانی) را مردم اسـیر کردنـد و سرلشـکر ناجی (فرمانـده گارد جاویدان) در حوالی میدان فوزیه (امام حسین۷) در جریان زد و خورد، به ضرب گلوله ای کشته شد. امیرعباس هویدا نخست وزیر اسبق نیز خود را به شورای انقلاب تسـلیم کرد. رادیو و تلویزیون نظامی به تصـرف مردم در آمد. در آخرین لحظه ها گوینده رادیو پیامی را که آیت الله طالقانی فرسـتاده بود، خوانـد و سـپس برنامه قطع شد. در آن پیام از کارکنان اعتصابی رادیو و تلویزیون خواسـته شده بود تا به سـرکار خود بازگردند. پس از سـکوتی نسبتاً طولانی، رادیو دوباره آغاز به کار کرد. صدای گوینده از شدت هیجان می لرزید: «توجه توجه ... این صدای انقلاب ملت ایران است...»

ص: ۴۴

متن ادبی

امام آمد

امام آمد، و آزادی آورد و آزادی را از اسارت، نجات داد و به اسلام، آبرو داد و به مسلمانان، اعتبار بخشید، و به اسکلت ها، روح و به اندیشه ها، تابندگی، و به دل ها، شهامت، و به دیده ها بصیرت.

امام آمد...

و اجرای قرآن را آورد،

و تجدید بنای دین را،

و شکوه مذهب را،

و غرور سرخ شیعه را.

امام آمد،... امام آمد و از قطره، دریا ساخت و از دل دقیقه، قرنی بیرون آورد و زمام زمان را به دست گرفت و مهار تاریخ را در کف مستضعفان مؤمن قرار داد و غرور ابرقدرت ها را در هم شکست.(۱)



۱- ۱. جواد محدثی، روایت انقلاب، ج ۱، صص ۱۲۸ و ۱۲۹.

بیانیه اعتراف

قیصر امین پور

«به نام ارباب ابرقدرت خود، این بیانیه را آغاز می کنیم. پیش از هر چیز صادقانه اعتراف می کنیم که ما یک کشور مستعمره هستیم. کشور ما از خود هیچ استقلالی ندارد. ما کاملاً وابسته هستیم. ما خودکفا نیستیم. ما وابسته به ابرقدرت شرق و غرب هستیم. ما حتی در نفس کشیدن خود هم به کمک این ابرقدرت نیازمندیم. ما همه بنده و برده این ارباب هستیم و روز به روز در پی گسترش و تحکیم این وابستگی پیش می رویم. ما با این ابرقدرت، علاوه بر روابط ظاهری، روابط پنهانی هم داریم.

ما قاطعانه اعلام می کنیم که همچنان خواستار ارتباط با این ابرقدرت هستیم؛ ابرقدرتی که ارباب شرق و غرب است، ابرقدرت جبّار و قهّار، ابرقدرت مقتدر و متکبر. ما تحت الحمایه و دست نشانده او هستیم. او سلطه گر است و ما تحت سلطه. او نه تنها بر ما، که بر همه جهان حاکمیت مطلق دارد.

ما می خواهیم که واردات ما از مرزهای او هرچه بیشتر و بیشتر شود. ما بدون این واردات، قادر به ادامه حیات نیستیم. آری، ما یک کشور تحت سلطه هستیم. کشور ما زیرسلطه استعماری خورشید نفس می کشد. کشور ما محاصره است، اما نه با سیم های خاردار؛ سیم های گل دار پیچک و نیلوفر آن را محاصره کرده است. ما در محاصره پیچکی به نام «عَشَقه» اسیر هستیم.

ما اعتراف می کنیم که قانون اساسی شما پیشرفته تر از قانون اساسی ماست. قانون اساسی شما «بند»های بسیاری دارد و همه ملت شما هم به این «بند»ها پایبند هستند، اما قانون اساسی ما «بند» ندارد. در قانون اساسی ما همه اصول به یک «اصل» بازمی گردد و آن «بازگشت به اصل» است. قانون اساسی شما سراسر «ماده» است؛ از ماده یک تا ماده هزار...، اما از «معنی» در آن خبری نیست. همچنین اعتراف می کنیم

ص: ۴۶

که دل های ما همه ملی گراست و ما نمی دانیم که با این دل های ملی گرا چه کنیم؟ دل هایی که به «وطن» خود سخت عشق می ورزند و هوای بازگشت به آن وطن را در سر دارند.

دل های ما هم مثل شما به تبعیض نژادی معتقد است. ما هم برای «رنگ سفید» ارزش بیشتری قائل هستیم؛ با این تفاوت که در این تعصب از خود شما هم پیشی گرفته ایم.

ما مثل شما در «پوست» نمانده ایم، ما به «مغز» رسیده ایم. شما «پوست های سفید» را برتر می دانید و ما مغزها و دل های سفید را! اگر شما سیاه پوستان را محکوم می کنید، ما مغزان را! چه باید کرد؟ ما تنها با «دل» سر و کار داریم، دستگاه و پایگاه ما، دل هاست.

ما هم مثل شما به برتری نژادی اعتقاد داریم؛ با این تفاوت کوچک که ما نه نژاد ژرمن و آریا را برتر می دانیم و نه نژاد یهود و غیریهود را؛ تنها نژاد برتر نزد ارباب ما، نژادی است به نام «پارسا». ما حتی سلمان پارسی خودمان را هم نه به خاطر «سلمان پارسی» بودن، بلکه به دلیل «سلمان پارسا» بودن می ستاییم. ما معتقدیم که سلمان، اگرچه در دل «احد» را می شناخت، اما «احمد» را نمی شناخت و هنگامی که حلقه میم «احمد» را گردن نهاد، از «سلمان» به «مسلمان» بدل شد و در شناسنامه ای که پیامبر برای او صادر کرد او را «اهل ایمان» خواند، نه «اهل ایران» و بالاتر از این، او را از «اهل بیت» شمرد، اگرچه او عجم بود و پیامبر عرب.

ما اعتراف می کنیم که شما سیاست مدارتر از ما هستید؛ زیرا سه حرف اول «سیاست» از آنِ شماست! حیف است که شاعران ما این همه صنایع بدیع را در مورد سیاست شما ندیده بگیرند. منظورم «جناسی» است که بین کلمه «سیا» و «سیاه» وجود دارد و نیز «طباق» و «تضادی» که میان «سازمان سیا» و «کاخ سفید» دیده می شود.

آری ما اعتراف می کنیم که دین از سیاست جداست، اما دین ما از سیاست شما و با شما هم صدا می شویم که هدف نهایی از بعثت پیامبران و علت نهایی ارسال رسل، تنها پر کردن برنامه روزهای «یکشنبه» بوده و بس! و شما به خوبی توانسته اید «قسط» را در جامعه خود پیاده کنید و حتی جوامع دیگر را هم در گرایش به زندگی «قسطی» یاری کرده اید.

ص: ۴۷

تلاش های شما در تأمین صلح جهانی هم بسیار قابل تقدیر است و ما می پذیریم که ملتی «جنگ طلب» هستیم. ما برای استقرار صلح «جنگ» می کنیم و شما برای «استمرار جنگ» صلح را پیشنهاد می کنید. شما به جای «مسابقه اصلاحاتی» که دیگر کهنه و قدیمی شده است، در «مسابقه تسلیحاتی» از یکدیگر پیشی می گیرید.

ما در این بیانیه، به صورت بسیار واقع بینانه، به همه اتهاماتی که شما به ما نسبت می دهید، اعتراف کرده ایم و می دانیم که شما با وجود این اعترافات، ما را به دلیل ارتکاب این جرایم سنگین محکوم می کنید؛ زیرا شما طبق قانون عمل می کنید و جنگل نیز یک قانون بیشتر ندارد و در نظام طبیعت، ضعیف پایمال است و ما هم برخلاف قانون جنگل و نظام طبیعت عمل کرده ایم».

ص: ۴۸

انفجار نور

سیدحسن حسینی

انقلاب ما صبح صادق بود و فجر راستین که در شراره های آتش شقاوت، تشنگان را خنکای جام عدالت نوشاند و در سوز سرمای بیداد، به فسردگان، گرمای حیات بخش موهبت کرد و خون هر شهید، نوری شد در ملکوت این سرزمین و این نورها در ازدحامی بس شورانگیز به ناگاه به انفجار رسیدند و این گونه بود که «انقلاب ما انفجار نور شد.»

ایام الله یا همان روزگاران عطرآگین خدا، دامن گستراند و خدا دوباره به میان بندگان ستمدیده خویش آمد و دریغ که جای خدا را در میان خویش خالی بینیم و آن سپیده دمان درخشان را به فراموشی بسپاریم.

کاش از یاد نبریم که دهه فجر، روزهای تولد امتی بود که همه چیز برایشان تازگی داشت و در این روز دنیایی دیگر را احساس کردند. یاد باد آن روزگاران، یاد باد!

آشتی با صبح

منسیه علیمرادی

می دانم، آری می دانم؛ آن روز، پنجره ها برای آشتی با صبح، نفس تازه کشیدند.

آن روز، خوبی ها به صلیب کشیده شده بود و خون از پنجه استعمار چکّه می کرد و قفس، تنها جایگاه پرندگان بود؛ چون نغمه آزادی سرداده بودند.

ص: ۴۹

می دانم، همان دقایقی که گوش ها به ضبط صوت چسبانده بودند، تا نوای باران را که چکه چکه می کرد و پلیدی ها را می شست، بشنوند.

چه شوری داشت، چه بلوایی شده بود و چه غوغایی می کرد؛ تکاپوی خفته که بیدار شده بود و دستانی که زانوی غم بغل گرفته بودند؛ حالا مشت شده بود.

تندتند ورق بود که بر سینه دیوار می چسبید: «آزادی...». و بطری بود که بمب می شد و حالا ـ «شاهِ معکوسِ» روی دیوارها، تمام حشمت ۲۵۰۰ ساله را زمین می ریخت.

آن روز کودک بود که رهِ مردان خدا می پیمود و یک شبِ مرد می شد؛ مردی که در کوچه پس کوچه های شهر، نوک سلاح ها در انتظار سینه پر تپشش کمین کرده بود.

پیرزن کنج حلبی آباد، دیگر از شاه سخن نمی گفت، سراغ از «آقا» می گرفت. می دانم؛ آری خوب می دانم شهدا، کف خیابان نماندند؛ دستانی آنها را بالا برد؛ اصلاً شهدا هیچ وقت زمین نمی مانند.

و می دانم، حالا پس از سال از آن روزها، سیب معطر آزادی در دست من است، من دانه سیب خواهم کاشت و درختی از نو خواهم رویاند. آه، من تو را گم نخواهم کرد، «من همان دبستانی ای هستم که به من چشم امید بسته بودی.» من تو را گم نخواهم کرد هرگز، هرگز!

خون سرخ ستاره

زهره نوربخش

تاریک بود، شب رَجَز می خواند، سوسوی ستاره ها را ابر تیره می سترد. خورشید، تبعیدی فردا بود، و شب در صحراها و کوه ها و دشت ها، در میان باغ و بر فراز رود و اقیانوس، حکم می راند و نفس ها را می برید، به چار میخ می کشید و خون سرخ ستاره ها را بر چهره آسمان می پاشید. صدای غل و زنجیر می آمد، و جز آن، دیگر سکوت بود که کران تا کران، در گوش ها فریاد می کشید. درخت ها یخ زده بودند، رودها منجمد شده بودند، ماهی ها خواب بودند، و پنجره های رهایی یکی پس از دیگری بسته می شدند. دست ها آن قدر پنجه به دیوار کشیده بودند که فرسوده بودند. یاد باران کم کم از ذهن زمین پاک

می شـد، قنـدیل سـکوت و وحشت و هراس در سـردابه تاریخ، هر رهگذری را به خواب ابدی فرامی خواند؛ و این چنین شـب رجز می خواند، و یکه تاز میدان بود تا اینکه چاووشان از آمدن صـبح خبر دادند. خبر در اندام شب پیچید. شب به خود نالید، تلألـؤ نور خورشـید از کرانه های دور، بر ذهن خفته جهان تابیـد. رودها به راه افتادنـد، ترنم باران بود و رقص جوباران، هلهله درختان بود و لبخنـد زمین و بازی گنجشـکان و بال و پر گرفتن قناری ها، چکاوک ها و پرسـتوها. اکنون صـدا، صدای بارش باران بود تا اینکه در میان گرگ و میش صبح، خورشید برآمد و پایان انجماد زمین را اعلام کرد.

و صدای اذان بلال زمان آمد

ابراهیم قبله آرباطان

آن روزهـا که زلالـل جـاری «فرهنـگ اسـلامی»مان را با «فرهنگ فرنگی» سـدّ می کردنـد تا از آنچه بر سـرمان می آیـد، غافل باشـیم؛ و آن روزها که «دین» را در مسـلخ «تمـدّن» قربانی می کردند تا بازار غارتشان هرچه بیشتر رونق بگیرد، سال هایی بود که همه پنجره هـای امیـد به دیوارهای سـنگی باز می شـد؛ و تمام کوچه پس کوچه های رسـیدن، به بن بست منتهی می شـد. سـال هـایی که سـنگینی سـایه «خـان هـا» و «اربـاب هـا»، قلب زمین را می فشـرد؛ روزگـاری که شب، چـتر تاریـک و «از خود بیگانگی» را بر چشم های آسـمان شـهر کشـیده بود و خورشـید، خانه نشـین تنهایی خود شده بود؛ ماه، به علامت عزا، هر شب خون می گریست؛ «دکّه های گمراهی» از وجب، وجب خیابان ها، تاراج شـده بود و بیگانگان، فرزندان پاک وطن را به قیمت گوهر معصومیت شان، می خریدند.

شب، معنای کامل زیسـتن شده بود؛ و خورشـید را جرئت دمیدن از پشت کوه های صـعب العبورِ «خودباختگی» نبود؛ و سـزای دمیدنِ گاه گاهِ سـتارگان، یا افول در گورسـتان بود، یا غروب در پای دارها. روشـنایی را از کور سوی مشعل «مجسمه آزادی» می جستند و خورشید را از نور شمع.

خوشه هـای طلایـی گنـدم امیـد، به آتش نیرنـگ خائنـان می سوخت و خـاکستر آن بر چهره هـای شکسـته و رنجور مردم می نشست. آن روزها، حاصل تلاش مستضعفان، یا به چنگ شاهان می رفت، یا زیر دندان غارتگران.

کفر را لباس «تجدّد» پوشانیده بودند تا مردم را از دینشان جدا کنند؛ و قرآن در گنجه های غربت خانه ها خاک می خورد.

صدای أذان بلال زمان، از مأذنه های خاموش شهر برخاست و نوای بیداری را در گوش همه خفتگان نواخت. او آمد و با دست های گرمش، راه دریا را نشان داد و سد راه جاری شدن را برداشت. آری، او آمد و پیراهن زرّین آزادی را، بر قامت افراشته تک تک لاله ها پوشاند. او آمد و عاشورایی دیگر برپا کرد و حسین زمان خود شد. او آمد و خون بهای سنگین لاله های پر پر را از شیطان ها گرفت و نهال خونین انقلاب را در دل فرزندان وطن کاشت. و این چنین بود که گل انقلاب از دست های مهربان مام وطن شکوفه داد و عطر افشانی کرد.

... و سال ها چنین بود تا اینکه:

... ابرهای رحمت، باریدن آغاز کرد و خورشید، _ بعد از آن همه سکوت _ دست های مهربان و گرم خود را بر سر شقایق ها و اطلسی ها کشید. مردی از سلاله محمد مصطفی، تبر ابراهیم بر شانه های مردانه اش، خشم موسی در سرش، مهر عیسی در قلبش، تقوای علی۷ در سینه اش، مظلومیت و صلابت حسین۷ در تقدیرش، و کتاب خدا در دستش آمد. مردی با پاهایی به استواری کوه ها و قلبی مالامال از عشق به دمیدن و شکفتن.

روز خدا

جواد محمد زمانی

با گام های استوار رفتند؛ تا فتح قلّه انقلاب، فریادگر و پرخروش، مصمم و پرامید، در صف هایی به هم پیوسته و دل هایی از هم نگسسته؛ مردم روزِ بیست و دوّم بهمن را می گویم!

آن روز کوچه ها عطر خوش انقلاب را حس می کرد و مردم در زمستانی سرد، گرمی آغوش همدیگر را در تبریک پیروزی می چشیدند. اصحاب عاشورای خمینی= و دانش آموختگان دانشگاه حسینی، این بار حماسه ای دیگرگونه آفریده بودند و کعبه میهن را از بُت های زر و زور و تزویر پاک کرده بودند. آنان که ایمان را با مائده های

ص: ۵۲

آسـمانی اش، در بازار شـهر گسترده بودنـد و تلاش را میهمان زنـدگی مردم کرده بودند. هم آنان که خون را کمترین متاع به درگاه پروردگارشان می پنداشتند و هستی خود را خالصانه برای رهبر خود می گماشتند.

آن روز، حقیقت گُل متجلّی شد و باغ به این همه زیبایی خود تبریک گفت. آن روز پرنده هایی که کوچیده بودند، بازگشتند و فضـای آسـمان در کـثرت آنـان، پنجره پنجره شـده بـود. آن روز درختـان سـرو بـه آزادی و آزادگیِ همگـان، پیـام تـبریک فرسـتادند و برکه هـا زلالیِ مردان و زنان انقلابی را درود گفتنـد. آن روز اقیانوس، مبهوت تلاطم های دلیرانه ای بود که کویر تشنه ایران را سیراب ساخته بود و سیلی خروشان شده بود، تا خانه عصیان را از جا بَر کند. آری، آن روز، روز خدا بود.

اینـک در یـاد روز آن بهـارِ فرامـوش ناشـدنی، به روح پـاک شـهیدان درود می فرسـتیم و بـا گرامی داشت خـاطره آن مسـیح انقلاب، راه پرافتخار خویش را ادامه می دهیم.

بشارت بهار

الهام موگویی

چه مژده ای زیباتر از آمدن بهار در پی یک زمستان تار و طولانی؟!

چه بشارتی شیرین تر از بشارت خورشید در پی یک شب سرد و تاریک؟!

چه پیامی نیک تر از پیام زلال آب برای لبانی تشنه و خشکیده؟!

چه نوایی برتر از بشارت «جاء الحق» و «زهق الباطل»؟!

قسم به شب پوشیده! که روز خواهد درخشید و بهاری ترین روز هستی، بر صحیفه شب تار و طولانی، مُهر پایان خواهد زد.

نسـیم خوش عطر هـدایت و نصـرت، از هر سو می وزد و روح و جـان عاشـقان را می نوازد. بهـار، بـا همه مهربانی ها و با همه طراوتش، نهال فتـح و پیروزی را به ارمغان می آورد. پرنـدگان سـفیدبال و عاشق، تنگی قفس اسارت را بال می گشاینـد و در قاب نیلگون آسمان، نغمه آزادی سر می دهند.

قلب ها، کهکشانی از عشق خمینی می شود و جامی لبریز از شـراب طهور پیروزی. وطن، این خاک مقدس، اقیانوسـی می شود خروشان از موج های سنگین؛ و غریو «اللّه اکبر»، از هرکوی و برزن، نوید نصرت را طنین انداز می کند.

زنجیرها را گسستیم

فاطره ذبیح زاده

دیروز دست هایمان را بستند، بر پاهایمان بند وابستگی زدند و خواستند تا همیشه مطیع و سر به زیر بمانیم، اما ما اراده کردیم و دیگر زیر یوغ سنگین استبداد شاهانه نماندیم؛ شاهی که فقط برای ما شاه بود و برای اربابان غربی اش، نوکری آماده به خدمت.

آنها هر روز در شیپور تبلیغات دمیدند که پایان نهضت اسلامی ما نزدیک است و روزهای خزان ما در پیش؛ ولی ما خواستیم پایه های مقدس استقلال را در خاک وطن محکم کنیم و از زیر خروارها خاک وابستگی سر برآوریم. در چشم هایمان امید به خدا می جوشید و در گام هایمان تلاش و پایمردی جریان داشت.

آنها در گوشمان زمزمه می کردند: «سال ها وابستگی را نمی توان با این شعارها کم رنگ کرد. حکومت با نام اسلام اصلاً معنا ندارد، گویا می خواهی دو عنصر متضاد را پیوند دهی!» آنها از این می ترسیدند که الگوی حکومت دینی ما، طلسم قدیمی «حکومت منهای دین» را بشکند. پس ما ماندیم و محاصره اقتصادی کشورهای قدرتمند، ما ماندیم و تحریم هایی که روزبه روز حلقه اش تنگ تر می شد، ما ماندیم و جنگی هشت ساله و ویرانی های بی شمار پس از آن! تصور کردند دیگر کارمان تمام است، اما کار ما تازه شروع شده بود. اینک با گذشت سی سال از انقلاب، هنوز آنها از درک مسئله ای به این سادگی عاجزند که روزنه ها هرچه باریک و تنگ باشند، جوانه های نور باز هم از دل آنها بیرون خواهند زد و رشد خواهند کرد. جوانه ها همیشه راهی برای زندگی خواهند یافت!

همه آمده بودند

سهیلا بهشتی

همه آمده بودند؛ زن و مرد، پیر و جوان. از دور که می نگریستی، پشت سر مردان، لشکری سیاه پوش را می دیدی که با مشت های گره کرده و بانگ «الله اکبر» و غریو «مرگ بر شاه» زمین زیر پایت را به لرزه درمی آوردند. این زنان، با جوانانشان و کودکانشان، هاجروار و زینب گونه آمده بودند؛ بدون هراس از گلوله های سرخ و سرنیزه های عریان.

ص: ۵۴

آمده بودند تا در میدان عمل و مکتب اسلام، دختران و پسران و نسلی آزاده را برای فردا و فرداها پرورش دهند تا استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را برای دنیا تفسیر کنند.

آموزگار، دانشجو، روحانی، بازاری، کارگر، کارمند...، قطره قطره دریا شدند و خروشیدند. این چه قدرتی بود که این گونه جان ها را به هم پیوند می داد؟ این پرسشی بود که خواب شرق و غرب جهان را برآشفت.

آری! فجر تابید و شب یلدای ستم و جهالت به پایان رسید. روز خدا فرا رسید و بیست و دوم بهمن چه «یوم الله» بزرگی است بر تارک تاریخ این سرزمین.

ص: ۵۵



ص: ۵۶

زیرنویس ها و پیام های کوتاه

دهه فجر موسم تجلی شکوه و عظمت انقلاب اسلامی است .

◄ دهه فجر، تبلور اراده ملت برای حاکمیت ارزش های الهی بود .

◄ دهه فجر انقلاب اسلامی؛ سرآغاز طلوع خورشید درخشان انقلاب اسلامی و تبلور شکوه و عظمت نهضتی مبتنی بر تعالیم اسلام ناب محمدی است.

◄ دهه فجر فرصتی برای دمیدن روحیه امید است .

◄ فجر انقلاب، دمیدن خورشید استقلال و آزادی است .

◄ دهه مبارک فجر، تجلی شکوهمند حماسه و سرافرازی ملتی است که در عصر اسارت انسان و در روزگار قحطی انسانیت، با انقلاب اسلامی خویش صفحه ای زرین را در تاریخ حیات آدمی گشود.

◄ فرارسیدن دهه نورانی فجر انقلاب اسلامی و سال روز بزرگ ترین افتخار ملی ایرانیان، بر شما مبارک.

◄ فرارسیدن ایام فرخنده دهه مبارکه فجر، دهه پیروزی، دهه رسیدن به اوج بلندی و قدرت، دهه نجات از ظلمت و استثمار مبارک.

◄ دهه فجر آینه ای است که خورشید اسلام در آن درخشید.

◄ دهه فجر، سرآغاز طلوع دوباره اسلام است.

◄ آزادی مهم ترین موهبت الهی است که مردم ایران در رژیم پهلوی از آن محروم بودند و انقلاب این موهبت را به آنها ارزانی کرد.

◄ انقلاب اسلامی نماد برآورده شدن آرزوهای مقدس ملت ایران است.

◄ انقلاب اسلامی نماد ایستادگی در برابر طاغوتیان و مستکبران است.

◄ پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل رحمه الله نماد حاکمیت اعتقادات دینی و اسلامی بر جهان است.

◄ پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن نماد اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران است.

◄ دهه فجر نمادی از اقتدار و عزت مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران است.

◄ دهه فجر فرصت مناسبی است تا اهـداف و ارزش های انقلاب برای نسل امروز به درستی تبیین و آنان با این اهـداف مأنوس شوند.

◄ دهه فجر نماد اقتدار، عزت و افتخار ایران اسلامی است.

◄ بزرگداشت دهه فجر تکریم شعائر الهی و ارزش های انسانی است.

◄ انقلاب اسلامی ایران ثمره خون پاک هزاران شهید، رزمنده و جانباز است.

◄ انقلاب اسلامی ثمره مجاهدت ها و فداکاری امام و امت است.

◄ حضور در ۲۲ بهمن پاسداشت نعمت های انقلاب اسلامی است.

◄ حفظ وحدت یکی از راه های پاسداشت انقلاب اسلامی است.

◄ پاسداشت ارزش های انقلاب اسلامی وظیفه ای دینی و ملی است.

◄ ترویج اندیشه و فرهنگ انقلابی، لازمه پاسداشت خون مطهر شهداست.

◄ تداوم انقلاب، مستلزم پاسداشت خون شهیدان است.

◄ گرامیداشت پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران پاسداشت اعتقادات و باورهای دینی است.

◄ پاسداشت دهه فجر، گرامیداشت خون شـهدایی است که برای ریشه کن کردن ظلم و سـتم و برقراری نظام اسلامی و الهی و حکومت بر مبنای اعتقادات دینی جان و خون خود را در این راه نثار کردند و دعوت حق را لبیک گفتند.

◄ پاسداشت خون شهدا و ادامه راه آنان، موجب تداوم نظام اسلامی است.

◄ تلاش صادقانه در عرصه تولید، پاسداشت ارزش های انقلاب اسلامی است.

◄ پیروزی انقلاب اسلامی ایران نتیجه وحدت کلمه و عزم و اراده همه مردم بود .

◄ پیروزی انقلاب نتیجه غلبه ایمان و عقیده بر ظلم و کفر بود .

◄ پیروزی انقلاب اسلامی نتیجه وحدت و انسجام ملی بود .

◄ پیروزی انقلاب اسلامی نتیجه تحول درونی ملت ایران بود.

◄ قانون اساسی جمهوری اسلامی از بزرگ ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است.

◄ بیداری اسلامی یکی از برکات انقلاب اسلامی است .

ص: ۵۸

◀ انقلاب اسلامی ابهت پوشالی ابرقدرت ها را شکست.

◀ حماسه امام خمینی= درخشندگی بصیرتی ایمانی _ انقلابی در عصر جاهلیت مدرن است؛ سرآغاز بیداری، خودشناسی، تعهد و رودررویی با دنیاپرستی، با جوشش و حرکت به سوی معنویت، اصالت و آرمان های الهی است.

◀ انقلاب اسلامی واکنشی در مقابل بی عدالتی و توحش مدرن حاکم بر تمدن مادی دنیای معاصر، و سدّی در برابر تزریق خدایی در شریان های اساسی جوامع اسلامی است.

◀ انقلاب اسلامی منادی آغاز حرکتی جدید در مقابل کفر و شرك و بیان گر قدرت دین در ایجاد تحول اساسی در عرصه جامعه و اداره آن بر مبنای فطرت انسانی و ارزش های والای الهی است.

◀ انقلاب اسلامی نویدی است بر مظلومان و ستمدیدگان که: «ان الله لا یغیّر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم».

◀ انقلاب اسلامی حرکتی است الهام گرفته از آموزه های متعالی اسلامی. در مبارزه با کژی ها، نامردی ها و کج اندیشی ها.

◀ انقلاب اسلامی فتح الفتوح است؛ سندی است بر پیروزی خون بر شمشیر، پیروزی مؤمنان بر سلاح و حیله های پیچیده و گوناگون اولیای شیطان.

◀ انقلاب اسلامی صحنه هنرنمایی ولایت اسلامی است؛ محصول ایمان، خلوص و تدبر رهبری اسلام شناس، حکیمی فرزانه، فقیهی شجاع و عبد صالح خداوند است.

◀ انقلاب اسلامی انفجار نور، طلوع و یادآور مبارزات و پیروزی های انبیای الهی است.

◀ دهه فجر یادآور حماسه خمینی= و درخشندگی بصیرتی انقلابی در جاهلیت قرن بیستم است.

ص: ۵۹

محورها و موضوعات پیشنهادی

■Ġمرور حوادث دوران انقلاب؛

■Ġدستاوردهای انقلاب در بخش های مختلف؛

■Ġنقش خواص در پیروزی انقلاب اسلامی؛

■Ġبررسی اولین جرقه های انقلاب در شهرهای مختلف ایران؛

■Ġروزشمار وقایع سال ۱۳۴۲ تا۱۳۵۷؛

■Ġبازخوانی مقاطعی از تاریخ پهلوی؛

■Ġچالش های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی رژیم پهلوی؛

■Ġبررسی ریشه های مخالفت پهلوی با اسلام (حجاب/ عزاداری و ...)؛

■Ġمروری بر رابطه محمدرضا پهلوی با بهائیت، اسرائیل و فراماسونری؛

■Ġتبیین انقلاب اسلامی و ابعاد شخصیتی امام خمینی=؛

■Ġواکاوی ولایت فقیه؛

■Ġمروری بر دوران جوانی و نوجوانی امام خمینی=؛

■Ġسرودها و آواهای ماندگار انقلاب اسلامی؛

■Ġمروری بر زندگی فعالان سیاسی در عصر پهلوی؛

■Ġبررسی مبانی قرآنی انقلاب اسلامی؛

■Ġبررسی راهبردهای رسانه ای و فرهنگی دشمن در نبرد نرم علیه انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری؛

■Ġنقش انقلاب در تحقق تمدن نوین اسلامی؛

■Ġمعرفی آثار برجسته در حوزه کتاب انقلاب اسلامی؛

■Ġبررسی نقش راهبردی مقام معظم رهبری در هدایت و شکوفایی انقلاب؛

■Ġانقلاب اسلامی؛ نقش ایدئولوژی و رهبری ویژه و تأثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی؛

■Ġضرورت انتقال راهبردهای انقلاب به نسل چهارم؛

■Ġجایگاه وحدت اسلامی در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی؛

■Ġتأثیر انقلاب اسلامی بر فرهنگ ایرانی؛

■Ġبررسی نقش عوامل فرهنگی در پیروزی انقلاب اسلامی؛

■Ġانعکاس دستاوردهای حوزوی علم و صنعت انقلاب اسلامی؛

■Ġنقش روحانیت و رهبری در ایجاد همدلی در مردم و انقلاب؛

■Ġشاخص های انقلابی گری؛

■Ġنقش علما در استقرار انقلاب اسلامی؛

■Ġانقلاب و شاخص های سبک زندگی ایرانی اسلامی؛

■Ġشاخصه های جامعه علمی مطلوب جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری؛

■Ġنقاط قوت و ضعف، فرصت ها و چالش های فراروی انقلاب اسلامی در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی؛

■Ġبررسی عوامل تحکیم خانواده در سایه انقلاب؛

■Ġتبیین نقش انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی؛

■Ġعملکرد انتقادی دولت های مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛

■Ġبررسی مفاسد اقتصادی حکومت پهلوی؛

■Ġمعرفی شخصیت های بزرگ انقلاب؛

■Ġتحلیل نظر اندیشمندان بزرگ جهان درباره انقلاب اسلامی؛

■Ġمؤلفه های شکل گیری انقلاب اسلامی؛

■Ġحق محوری و ظلم ستیزی مردم ایران؛

■Ġبررسی مولفه های ادبیات انقلاب اسلامی؛

■Ġدستاوردهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی با وجود تحریم ها و کارشکنی های غرب؛

■Ġروایت های ماندگار از داستان انقلاب؛

ص: ۶۱

- سیر مبارزاتی امام خمینی از آغاز مبارزه تا پیروزی انقلاب؛
- نوآوری های ایران در حوزه پزشکی، داروسازی، هوا فضا، سلول های بنیادین، نفت و...؛
- نقش جوانان در پیروزی انقلاب؛
- نقش زنان در پیروزی انقلاب؛
- مروری بر زندگی فعالان انقلاب؛
- بسترهای سیاسی انقلاب اسلامی؛
- انقلاب اسلامی از دیدگاه شخصیت های برجسته عرب؛
- مروری بر رویکرد ایران در مقابل تهدیدهای غرب؛
- نقش پیروزی انقلاب اسلامی در معاهدات سیاسی جهان؛
- بررسی نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی؛
- نقش اسلام در تکوین و پیروزی انقلاب اسلامی؛
- مروری بر نقش بازاریان و اصناف در پیروزی انقلاب؛
- مقایسه انقلاب اسلامی با انقلاب فرانسه، روسیه و چین؛
- اراده انسانی در پیروزی انقلاب اسلامی؛
- نقش انقلاب اسلامی در تغییر نگرش به آموزه مهدویت؛
- بررسی عوامل زمینه ساز برای ظهور آرمان انقلاب اسلامی؛
- نظریه انقلاب اسلامی در نظریه های تبیین وقوع انقلاب ها؛
- مؤلفه های گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی؛
- مروری بر تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش های اخیر خاورمیانه.

داستانک

نفس صبح

سیدمحمد جواد میری

یک

علیه لا-یحه انجمن های ایالتی و ولایتی که بیانیه داد، بعضی علما گفتند: «شاه شیعه است، مگر با شاه شیعه می شود مبارزه کرد؟» وقتی گفت در اعتراض به جنایات شاه، نیمه شعبان را جشن نگیریم، می گفتند: «چراغانی نیمه شعبان را به خاطر مبارزه تعطیل کنیم؟!»

یک عده مقدس نما هم سر این دعوا می کردند که او انگلیسی است یا آمریکایی؟! بعضی ها هم می گفتند تارک الصلوه است، روزه هم نمی گیرد؛ اما زردچوبه می مالد به صورتش که بگوید روزه ام! بعضی ها هم می گفتند این عمامه اش کوچک است و در حد مرجعیت نیست. این جور حرف ها را که می شنید، می گفت:

ــ به آقایان بگویید من هنوز مشرک نشده ام.

دو

اول تبعید که رفت ترکیه، بردنش توی یک منطقه که زهر چشم بگیرند و بترسانندش.

ــ اینجا قبر چهل نفر از علمای ترکیه است که با حکومت مخالفت کردند و کشته شدند.

گفت:

ــ عجب! ای کاش ما هم چنین چیزی داشتیم تا این جور از علمای ترکیه عقب نباشیم.

سه

با آن تابستان های گرم نجف، حاضر نشد کولر هم بخرند. یک کولر توی حیاط بود برای جلسات عمومی شبانه که آن هم پوشال نداشت. پره اش می چرخید و باد گرم را می زد توی صورت ها. بزرگان نجف یک خانه هم در کوفه داشتند؛ اما آقا همان خانه کوچک نجف را داشت و تمام.

با آن هوای گرم و خشک و با آن سن آقا، هرچه دیگران اصرار می کردند که تابستان ها برود کوفه که خنک تر است، قبول نمی کرد. یک بار یکی از دوستانش کلی مقدمه چینی کرد و از مریض هایی که توی کوفه خوب شده بودند گفت و اینکه هوای نجف، زهری است که پادزهرش هوای کوفه است و... آقا یک لبخند تحویل داد که: من چطور بروم کوفه خوش بگذرانم، وقتی بچه های مسلمان توی ایران گرفتار سیاه چال ها و شکنجه ها هستند؟

چهار

مصطفی را که کشتند، خانواده آقا می خواستند از بیت آقا تماس بگیرند تهران.

آقا نگذاشت.

ـ تلفن اینجا از بیت المال است و کار شما شخصی است.

پنج

سعدون شاکر، رئیس سازمان امنیت عراق آمده بود به خط و نشان کشیدن:

ـ حضرت عالی در صورتی می توانید در عراق به زندگی عادی خود ادامه دهید که از کارهای سیاسی که روابط ما با ایران را تیره می کند، خودداری کنید. در صورت ادامه کارهای سیاسی باید عراق را ترک کنید.

آقا اشاره ای کرد به زیلوی اتاق:

هر جا بروم، اگر این فرش را پهن کنم، همان جا می شود منزل من. من از آن روحانیانی نیستم که به خاطر علاقه به زیارت از مبارزه دست بکشم.

شش

مایک والاس، گزارشگر تلویزیون آمریکا در برنامه ی کانال چهار تلویزیون آمریکا از خاطرات دوران خبرنگاری اش می گوید:

ــ او بـاهوش ترین سیاسـتمداری است که من دیـده ام. نفوذ خاصـی روی مصـاحبه گران داشت و به جـای اینکه من از ایشان سؤالا-تی بکنم، او مرا اداره می کرد. من هیـچ مطلب تـازه ای غیر از آنچه خـود آیت الله می خـواست بگویـد، نتوانسـتم از زیر زبان او بیرون بکشم... زندگی بسیار ساده رهبر انقلاب اسلامی، او را از همه رهبران دیگر دنیا متمایز می کرد... او مرا و همه رجـال دیگر دنیـا را که به حضـور می پـذیرفت، روی فرش سـاده می نشانـد و مـا مجبـور بـودیم کفش هـای خود را دم در از پادرآوریم و از همان اول کار بفهمیم با مردی متفاوت سر و کار داریم.

هفت

در نوفل لوشاتو فرصت خوبی بود برای روشـنگری بیشتر. نه فقط برای رسانه های جهانی. می دیـدی پنج شـش تا دختر و پسـر جوان نشسته اند دورش و او دارد برایشان حرف می زند.

هشت

خبرنگاران خارجی می پرسیدند:

ــ سیب زمینی و تخم مرغ برای شما غذای مقدسی است؟

ــ شما تخم مرغ را سمبل چیزی می دانید؟!

از بس که غذای بیت امام تکراری بود؛ تخم مرغ پخته با سیب زمینی یا اشکنه.

نه

از خوشحالی بال درآورده بودیم. باید خبر را می رساندیم به آقا.

ــ من می روم.

خوشحال و خندان رفتم پیش آقا و صدایم را از حنجره ام ریختم بیرون:

ــ آقا، شاه رفته. رادیو خبرش را پخش کرده.

آقا گفت:

ــ خب، دیگه چی شده؟

ده

از پاریس پیغام دادیم که محل اقامت امام اولاً شمال شهر نباشد، ثانیاً در اماکن خصوصی نباشد و ثالثاً جای پر زرق و برقی هم

نباشـد. از تهران هم زنگ زدند که سـتاد اسـتقبال، برنامه ها را چیده؛ فرودگاه مهرآباد فرش می شود، شـهر چراغانی می شود، آقا را با هلی کوپتر به بهشت زهرا می بریم و... .

ص: ۶۵

به امام که گفتم، گفت:

ــ به آقایان بگو مگر کوروش را می خواهنـد وارد ایران کنند؟ یک طلبه از ایران خارج شده، همان هم می خواهد برگردد... .

یازده

توی سال های مبارزه، خیلی ها می گفتند خانم ها بهتر است در راهپیمایی ها شرکت نکنند تا خطر تهدیدشان نکند؛ اما امام با جدیت می گفت:

ــ هیچ کس حق ندارد حرفی از جدا کردن خانم ها از حرکت های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بزند.

بعـد انقلاب هم خیلی هـا می خواسـتند زن هـا را از شـرکت در انتخابـات محروم کننـد. شـورای نگهبـان هم می گفت زن ها نماینده مجلس نشوند. امام از طریق نماینده شان پیغام داد:

ــ اگر زن ها را از دخالت در انتخابات منع کنند، من برخورد می کنم و موضع می گیرم.

دوازده

کلاً دو تا پیراهن داشت و دو تا شـلوار. جوراب هایش را هم خودش وصله می انداخت؛ اما همیشه معطر بود و تمیز. لباسش را یک روز در میان عوض می کرد و می شست؛ البته اگر کوپن پودر رختشویی کفاف می داد.

سیزده

آن شب ملی گراها می خواستند کودتا کنند. رفتیم پیش امام به ایشان گفتیم:

احتمال دارد اینجا را با هواپیما بمباران کنند. بهتر است شما تشریف ببرید جای دیگری.

گفت:

ــ من که نمی ترسم. اگر شما می ترسید بروید توی پناهگاه. من اینجا سر جایم محکم ایستاده ام.

چهارده

بچه ام تازه به دنیا آمده بود. بردمش پیش امام. بچه را گرفت.

ـ دختر است یا پسر؟ ـ دختر است. گرفتش توی آغوشش، پیشانی اش را بوسید و گفت: ـ دختر خیلی خوب است... دختر خیلی خوب است... دختر خیلی خوب است. اسمش را پرسید. ـ هنوز اسم نگذاشته ایم، گذاشته ایم شما انتخاب کنید. ـ فاطمه خیلی خوب است... فاطمه خیلی خوب است... فاطمه خیلی خوب است.

پانزده

یکی از نوه های امام توی مشهد به طرفداری از بنی صدر و علیه شهید رجایی سخنرانی کرد و ملت را به هم ریخت. وسط شلوغی هم دست به اسلحه برد.

خبر که به امام رسید به دامادش، آقای اشراقی، گفت: پیغام دهید نامبرده تحت الحفظ به تهران اعزام شود. اگر خواست تیراندازی کند، مهلت ندهند و بلافاصله به او شلیک کنند و از پای درش آورند.

آقای اشراقی رفت و برگشت.

ـ پیام را رساندید؟

ـ بله.

ـ گفتید اگر خواست تیراندازی کند، مهلتش ندهند؟

ـ ... نه.

ـ برگردید عین پیام را برسانید.

شانزده

می خواند و گریه می کرد. کودکی نامه نوشته بود:

- اماما! چون تو خدا را دوست داری، من هم تو را دوست دارم. چون تو با خدا رابطه

اری، ما هم با تو رابطه داریم.

... می خواند و گریه می کرد و می گفت:

ـ کاش من با خدا رابطه داشتم تا اینها راست باشد.

هفده

همه جمع بودیم. علی کوچولو گفت:

ـ من می شوم امام، مادر سخنرانی کند، آقا هم بشوند مردم.

ص: ۶۷

من سخنرانی ام را کردم و علی به آقا اشاره کرد که شعار بده. آقا شعار داد. علی گفت:

ــ نه، نه. مردم که نشسته شعار نمی دهند. بلند شو.

بلند شد و شعار داد:

ــ الله اکبر، الله اکبر... .

هجده

می گفت:

ــ این همه بولتن های خبری که نهادها و سازمان ها منتشر می کنند، تکراری اند. دلیلی ندارد این اسراف صورت بگیرد. جلسه ای با مسئولان نهادها بگیرید و جلوی این اسراف را بگیرید.

نوزده

دو سه سال آخر به این گذشت که بگوید به خاطر اجرای اسلام ناب، برای تحقق عدالت، هر کاری که لازم شد باید کرد. قائم مقام رهبری را برای همین گذاشت کنار و گفت که دلش پر خون است. قطعنامه را پذیرفت و گفت جام زهر را نوشیده.

چند بار هم بعضی از احکام اولیه دینی را با حکم حکومتی اش لغو کرده بود. یک بار که جواب اشکالات یکی از شاگردانش را سر همین ماجرا می داد، برایش نوشت:

ــ باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی۹ برسیم. امروز غریب ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانی های آن گردم.

بیست

موقع غسل و تدفین، حتی یک کفن هم از خودش نداشت. باقیمانده پول هایش به اندازه خرج دو سه روز پذیرایی در دفتر و بیت هم نشد. اثاثیه خانه مال خانم بود و خانه هم اجاره ای بود. فقط چند میلیونی دل داغدار به جا گذاشته بود و چند میلیارد بچه هایی که او را ندیده بودند.

شروع دشمنی

محمدحسن ابوحمزه

کراواتش را درست کرد با احترام برگه کاغذ تا خورده را به دست رئیس داد و گفت:

قربان «پل گرین» خبر داده موفق به شکستن اعتصاب کارگران صنعت نفت آبادان نشده.

رئیس با شتاب نامه را گرفت مرور کرد رو به پنجره برگشت با مشت محکم به کف دست دیگرش کوبید گفت:

ـ مرتیکه بی عرضه سال ها توی ایران مفت خورده و خوابیده برای چنین روزی اون وقت...

معاون چند قدم جلوتر رفت گفت:

ـ ظاهراً ارتش شاهنشاهی هم با تانک وارد پالایشگاه شده و کارگران رو تهدید کرده، اما موفق نشدند.

ـ دیگه کار از تانک و توپ گذشته، از سپتامبر گذشته این همه از این مردم وحشی کشتند چی شد، یا خوب نکشتند یا مردم ایران واقعاً دیوانه شده اند.

رئیس برگشت نامه را روی میز انداخت. چند قدم دور میز چرخید گفت:

ـ فکر کنم دیگه دوران نفتِ مفت تمام شد باید راه چاره ای پیدا کنیم تا بعد.

معاون پوشه قرمزی را که زیر بغل داشت به طرف رئیس گرفت گفت:

ـ قربان طرح جدید برای کنگره.

ـ خلاصه طرح چیه؟ بگو ببینم.

در اولین قدم مردم ایالات متحده باید روزها یکشنبه از خوردو استفاده نکنند.

رئیس کنار پنجره رفت، به مجسمه آزادی خیره شد، چشمانش را تنگ تر کرد، سر تکان داد و با خودش زمزمه کرد:

ـ امروز روز شروع دشمنی ماست

ـ قربان چیزی گفتید؟

ـ نه.



ص: ۷۰

متن برنامه ای

شب پیروزی(۱)

ابوالفضل سلیمانی

شکر ایزد که به اقبال کُلَه گوشه گُل *** نحوتِ بادِ دی و شوکت خار آخِر شد

صبح امید که بُد معتکلف پرده غیب *** گو برون آی که کار شب تار آخِر شد

آن همه ناز تنعم که خزان می فرمود *** عاقبت در قدم باد بهار آخِر شد

سلام بر فجر و سلام بر شما فجرآفرینان میدان عشق، ایام الله دهه مبارک فجر بر شما مبارک!

آری این روزها درخت امید به بر آمد و آفتاب معرفت به در آمد.

آری این روزها بود که جلوه ای از جَلَوات حق تحقق یافت.

وصل آمد و از بیم جدایی رستیم *** با دلبر خود به دام دل بنشستیم

هر چه انقلاب اسلامی دارد از برکت مجاهدت شهدا و ایثارگران است. (امام خمینی =)

دهه فجر عیدی است که یک تاریخ سرتا پا ظلم و طغیان را قطع کرده است. (مقام معظم رهبری)

دهه فجر مظهر شکوه و عظمت و فداکاری ملت ایران است. (مقام معظم رهبری)

فجر است و سپیده حلقه بر در زده است *** روز آمده تاج لاله بر سر زده است

با آمدن امام در کشور ما *** خورشید حقیقت از افق سر زده است

ای دوست بیا تا سرود فتح و پیروزی بخوانیم و همگام با روزهای بهمن ماه خاطرات شیرین سال های انقلاب را مرور کنیم. شب بی کران ستم را بزرگ مردی ورق زد و ما را به استقلال و آزادی در فجر انقلاب دعوت کرد. بهمن پیروز آمد تا دیگر بار حماسه سترگ پیروزی انقلاب اسلامی ایران را به ما یادآوری کند.

۱- ۱. گلچینی از چند متن رادیویی ، ویژه برنامه شب پیروزی ، رادیو سراسری معارف.

دهه فجر سال روز حماسه دلاورمردی ها بر شما مبارک باد!

***

یادش بخیر!

خانه هایمان سنگر، کلاس هایمان جبهه، قلم هایمان سلاح، سنگرهایمان محراب، شهادت هایمان بنیاد و ملتمان بسیج گشتند.

این ها بود گوشه ای از میوه های روییده بر شاخسار زمان در ۲۲ بهمن که با بذرافشانی باغبان بزرگ خیر و برکت و حق و آزادی، یعنی امام امت به دست آمده است.

یاد آن روز پیروزی، جاودان و ثمرات یوم الله ۲۲ بهمن افزون تر باد!

***

دهه فجر، سرآغاز طلوع اسلام و خاستگاه ارزش های اسلامیت. دهه فجر مقطع رهایی ملت است و بخشی از تاریخ ما که گذشته را از آینده جدا ساخته است. در دهه فجر، اسلام تولدی دوباره یافت و این دهه در تاریخ ایران نقطه ای تعیین کننده و بی مانند به شمار می رود.

تا قبل از انقلاب در ایران نظام پادشاهی بود و رابطه مردم با شاه، رابطه «غالب و مغلوب» و «ارباب و رعیت» بود و حضرت امام خمینی = این سلسله معیوب را قطع کردند و نقطه عطفی در تاریخ ایران به وجود آوردند و مردم را همچون شمشیری بر ضد استعمارگران و دشمنان اسلام به کار گرفتند.

دهه فجر از رشحات اسلام است و آیینه ای است که خورشید اسلام در او درخشید. این ایام بر همه شما مبارک!

***

امروز نوزدهم بهمن ماه، روز نیروی هوایی است که به انقلاب اسلامی، دفاع همه جانبه، اقتدار و امنیت ملی نام گذاری شده.

از شکننده ترین ضربات بر پیکره دستگاه شاهنشاهی، حرکت شجاعانه کارکنان نیروی هوایی ارتش در این روزه که به حق می توانیم بگیم این روز از ایام الله بود. در این روز که نظامیان متعهد نیروی هوایی با حضور خودشون در اقامتگاه رهبر بزرگ انقلاب اسلامی در مدرسه رفاه با امام = بیعت نمودن و سندی زرین در تقویم تاریخ انقلاب اسلامی ثبت کردن.

این روز رو به همه عزیزانمان در نیروی هوایی تبریک می گیم و گرامی می داریم یاد و نام شهدای نیروی هوایی را و امیدواریم راه شون همواره پر رهرو باشه!

دهه فجر سال روز رهایی از بند استعمار، بر همه شما مبارک باد!

حضرت امام خمینی= در رژه تاریخی کارکنان نیروی هوایی این چنین فرمودن: «کاری که شما عزیزان در این روزها در روز ۱۹ بهمن انجام دادید، از حدیث معنویت بزرگترین کارها و باارزش های دنیایی هم، بزرگترین ارزش ها بود. آن روزی که باز پیروزی به آنجا نرسیده بود که مورد اطمینان باشد و ما در معرض خطر بزرگ بودید، از جان گذشته و به اسلام پیوستید و از سپاه اسلام شدید. خداوند این افتخار را برای شما حفظ کند و شما را در دو جهان سعادتمند فرماید».

روز هجران و تب فُرقت یار آخر شد *** زدم این فال و گذشت اختر و کار آخِر شد

آن همه ناز و تنعم که خزان می فرمود *** عاقبت در قدم باد بهار آخِر شد

سال ها پیش از این بهاره سبز *** قریه می سوخت در عطش کامی

ذهنِ گل های باغ می پژمرد *** در حصار سکوت و گمنامی

عطش از هر کرانه می آمد *** زخم می زد به جان گندم زار

خیمه می زد سیاه ابرِ ملیح *** بر سر آسمان گندم زار

قلب ها از صفای عشق تهی *** سینه ها بی فروغ، دل خاموش

چشم ها پاسخی به پرسش مرگ *** دست ها با شکست هم آغوش

کم کم از چشمان آسمان بارید *** آفتابی که بوی باران داشت

آمد از سمت باغ روشن وحی *** باغبانی که بوی قرآن داشت

آمد و باغ، دست او بوسید *** زخم آلاله ها را مداوا کرد

غنچه باغ را شفا بخشید *** گلِ لبخند را شکوفا کرد

ابرهای سیاه کوچیدند *** آسمان سیاه آبی شد

تا که چشمان باغ تابید *** آسمان، صاف و آفتابی شد

تایمز لندن که به سخن گوی دویست ساله دولت استعماری انگلیس معروفه، در خصوص شخصیت حضرت امام= این طور می نویسه:

«امام خمینی مردی بود که توده ها را با کلام خود مسحور کرد. وی به زبان مردم عادی سخن می گفت و به طرف داران فقیر و محروم خود اعتماد به نفس می بخشید. این احساس آنها را قادر ساخت تا هرکسی را که سر راهشان بایستد از بین ببرند و به مردم نشان داد که می توان در برابر قدرت هایی مثل امریکا ایستاد و نهراسید.

ص: ۷۴



در هوای بهمن

والفجر ولیال عشر

زمانه قرعه نو می زند به نام شما *** خوشا شما که جهان می رود به کام شما

درین هوا چه نفس ها پر آتشست و خوشست *** که بوی عود دل ماست در مشام شما

فروغ گوهری از گنج خانه دل ماست *** چراغ صبح که بر می دمد ز بام شماست

سلام و هزاران درود به شما فجرآفرینان، شما حماسه سازان همیشه قهرمان، شما مردمان دلیر ایران که فردا شکوهی به یادماندنی از خودتون به جا خواهید گذاشت. نامتان همیشه جاوید.

مثل غنچه بود آن روز غنچه ای که روییده *** در هوای بهمن ماه بر درخت خشکیده

گرچه در زمستان بود چون بهار بود آن روز *** سرزمین ما ایران لاله زار بود آن روز

***

سلام بر زمستان بهاری، سلام بر حماسی ترین و تاریخی ترین ماه، سلام بر ۲۲ بهمن ماه، سلام بر طلایی ترین روز در تاریخ ایران اسلامی، سلام بر مطلع فجر و پیروزی و سلام بر شهیدان و امام شهیدان.

به جمله روی دیوار که نگاه می کنی شور عجیبی سرتاسر وجودت را فرا می گیرد. انگار تمامی چیزهای را که درباره این روز بزرگ شنیده بودی یک باره در گوشت زمزمه می شوند.

از ورود بزرگ مرد تاریخ، رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی = گرفته تا روز ۲۲ بهمن ۵۷. آری. روز ۲۲ بهمن ماه ۵۷، روز بزرگ پیروزی از چنگال ظلم و تو حسِ غریبی

ص: ۷۵

داری، اشک در چشمانت حلقه زده و جمله روی دیوار، کار خودش را کرده. دوباره به آن خیره می شوی و زیر لب تکرارش می کنی: «در بهار آزادی جای شهدا خالی.»

***

امام خمینی =: «روز ۲۲ بهمن روزی بود که ارتش و ملت به هم پیوستند، و روزی بود که ارتش از طاغوت به الله برگشت و با تکبیر و پشتیبانی امت بر طاغوت غلبه کرد؛ و این باید سرمشق ما باشد در تمام زندگی».

امام خمینی= از ۲۲ بهمن همچون ۱۵ خرداد، ۱۷ شهریور، ۱۲ فروردین به عنوان «ایام الله» یاد کردند. و درباره چنین ایامی فرمودند: «بر ملت شریف ماست که این ایام الله را _ که هدیه هایی از عالم غیب ربوبی است _ با جان و دل حفظ و با چنگ و دندان نگهداری کنند.

روز هجران و شب فرقت یار آخر شد *** زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد

آن همه ناز و تنعم که خزان می فرمود *** عاقبت در قدم باد بهار آخر شد

شکر ایزد که به اقبال کله گوشه گل *** نخوت باد دی و شوکت خار آخر شد

صبح امید که بد معتکف پرده غیب *** گو برون آی که کار شب تار آخر شد

***

یادآوری یوم الله ۲۲ بهمن؛ یعنی یادآوری رشادت ها و فداکاری ها و شهادت طلبی های ملتی منسجم و خداجوی و پیرو ولایت و رهبری که با ایثار خون خود ثابت کرد که «خون بر شمشیر و حق بر باطل پیروز است.» یادآوری ۲۲ بهمن؛ یعنی یادآوری تجلی حکومت الله روی زمین، روزی که برنده ترین سلاح معنوی یعنی ایمان، پیروزی آفرید.

قطعه قطعه این سرزمین به یاد دارد حضور سرخ مردمانی از جنس آینه را و شقایق ها هنوز داستان های شیدایی عاشقان میهن را سر می دهند. اکنون ماییم که به پاس رشادت های شهیدان و هم وطنانمان آزادانه آزادی را مرور کنیم. «انقلاب ما انفجار نور بود»؛ انفجاری که سراسر جهان را درنوردید و در قلب مردمان یادواره استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را بر جای گذاشت. اکنون وظیفه ماست که در زیر چتر ولایت و رهنمودهای رهبر فرزانه مان پیام انقلاب را در گوش جهانیان فریاد کنیم.

***

امـام خمینی = در خصـوص اهمیت ۲۲ بهمن می فرمایـند: «در چنین روز فرخنـده ای حـق بر باطـل و جنود رحمـانی بر اولیـای شیطانی و حزب الله بر طاغوت و طاغوتیان غلبه نمود و حکومت عدل اسـلامی مسـتقر گردید و دست انتقام حق از آستین ملت رزمنده ایران بیرون آمد و نصـرت اعجازآمیز اسـلام بر کفر تحقق یافت. در چنین روز مسـعودی، همبستگی قشرهای ملت دلیر روزافزون شـد و ارتش و سایر قوای انتظامی وفاداری خود را به اسـلام و ایران نشان دادنـد و میهن خود را از شـر طاغوت های زمان که در رأس آنان دولت امریکاست، رهایی بخشیدند.

مقام معظم رهبری می فرمایند: «روز ۲۲ بهمن و راهپیمایی ۲۲ بهمن مظهر اقتدار ملی است؛ مظهر اقتدار ملت ایران است؛ مظهر حضور مردمی و اراده و عزم ملی ملت ایران است که مرد و زن و پیر و جوان، در همه شـرایط به خیابان ها می آیند و خودشان را در سرتاسر کشور در مقابل چشم بینندگان قرار می دهند؛ این خیلی باعظمت است.

ص: ۷۷

روز ایمان

بـه نـام والفجر و به حرمت قـدم هـای مبـارکی که فردا حمـاسه ای تـازه می آفرینن. به حرمت قـدم هـای شـما مردان و زنـان و جوانان. شما که همیشه افتخار می آفرینید... سلام ... .

سلامی به رنگ سـرخ و سـفید و سبزم پرچم ایران و به گرمای دلای پاک و آسمانی شما مردم ایران. شمایی که دل در گروی این آب و خاک دارین.

بیا بیا که شمیم بهار می آید *** دل رمیده ما را قرار می آید

سر از افق به در آورد صبح آزادی *** سرود فتح و ظفر زین دیار می آید

سلام و درود بـه شـما هموطنـان عزیز، به شـما تلاوت کننـدگان سـوره فجر، فرا رسـیدن ۲۲ بهمن سـال روز پیروزی انقلاب شکوهمند جمهوری اسـلامی بر شـما تهنیت و مبارک باد. شب پیروزی تقدیم شـما، شـمایی که فردا حماسه ای دوباره رو رقم می زنین.

۲۲ بهمن یوم الله است. ۲۲ بهمن روز حمـاسه سازی ملتی است که با عزمی آهنین و مشتی گره کرده، فریاد الله اکبر خود را بر استکبار فرود خواهد آورد. ۲۲ بهمن روز من و توست. روز ماست، روز پیروزیست.

یادآوری ۲۲ بهمن، یادآوری رشادت ها و فداکاری ها و شـهامت طلبی های ملتی منسجم و خداجوی و پیرو ولایت که با ایثار خون خود ثابت کردند که خون بر شمشیر و حق بر باطل پیروز است. ۲۲ بهمن یادآور تجلی حکومت الله در روی زمین است. روزی که بُرنده ترین سلاح معنوی؛ یعنی ایمان، پیروزی آفرید.

***

این روزا و شـبا به یـاد آن روزهـاییم. یـاد روزهای آشـنایی و شـکوفایی عشق. یاد روزهای سپیـدی که خورشـید آزادی از افق استقلال طلوع کرد.

این روزا و شـبا به یـاد آن روزهـاییم، روزهایی که آهنگ خوش پیروزی، در باغ آزادی شـنیده شـد. روزهایی که از میان لوله تفنگ ارتشیان به جای گلوله آتشین، گل های سرخ و خوشبو شکفته شد.

***

اکنون ماییم و یاد آن روزها که به بلندی نور دری به خانه خورشید گشودیم و فردا همه ما در حضوری پرشور یاد آن همه زیبایی را گرامی می داریم.

فردا روزی ماندگار و فراموش نشدنی در تاریخ ملت ایران است. روز پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران. انقلابی که رساترین فریاد تاریخ، امام خمینی آن را رهبری کرد و به فرجامی خوش رساند. انقلابی که در آن فرزانگان و جوانان باایمان با اعتقادی شگفت انگیز در عرصه معنویت و ایثار به شهادت رسیدند. در سال روز پیروزی انقلاب اسلامی جای شهدای انقلاب خالی است.

۲۲ بهمن سال روز طلوع خورشید و غروب استعمار و روز رهایی ملتی بزرگ از یوغ استکبار جهانی بر شما ملت قهرمان و سرافراز مبارک باد.

رسید مژده که این ملک چون بهاران شد *** غریق عطر ریاحین و مشکباران شد

به مرغزار، بگسترد نافه مشکین *** به باغ بلبل و قمری به شاخساران شد

فردا روز من است، روز توست، روز ماست. روز پیوند قطره با دریاست، و فردا همه می آییم یک صدا و یک پارچه با مشت هایی گره کرده، و هم نوا با هم فریاد استقلال آزادی جمهوری اسلامی سر خواهیم داد.

دوستان! ۲۲ بهمن روزیست که با اعتصام به حبل الله ،حکومت ستم شاهی به زباله دان تاریخ پیوست و ثابت کرد آوای الله اکبر از رگبار مسلسل قوی تر و نیرومندتر است.

بیست ودوم بهمن به ما آموخت که در مبارزه با دشمنان اسلام فقط باید بر خدا تکیه کرد و نیروی ایمان. گرچه دستمان از سلاح تهی بوده باشد.

راهپیمایی بیست و دوم بهمن مظهر اقتدار ملی است؛ نشان دهنده عزم عمومی ملت ایران است؛ مظهر همان چیزی است که هر دشمنی را در هر حد و اندازه ای از اقتدار نظامی و توانایی های تبلیغاتی و سیاسی، مرعوب می کند. (مقام معظم رهبری)

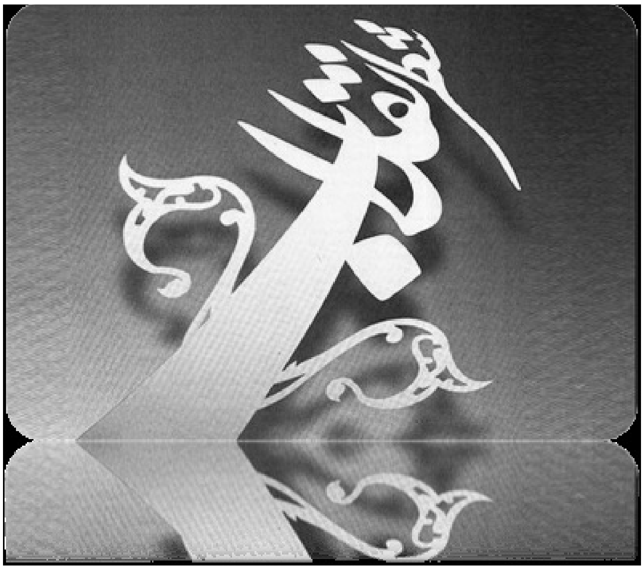
وقتی ۲۲ بهمن فرا می رسد گویی شهیدان اند که آمده اند برای بیعت دوباره برای هشدار و تذکر و بیداری. ۲۲ بهمن که از راه می رسد شهیدان پیمان نامه خونین شهادت را برای تجدید امضای تک تک ما می آورند تا فراموش نکنیم که باغبان لاله ها امام مهربان بود و سایبان لحظه ها، نگاهش هنوز هم نگران باغمان است.

دوستان! در نظام اسلامی زندگی می کنیم و حفظ این نظام وظیفه سنگینی بر عهده ماست. یادمان باشد برای انقلابی ماندن، راهی جز پایبندی به مبانی، اصول و ارزش های اسلامی وجود ندارد. پایبندی به ارزش ها؛ یعنی در گفتار و رفتار و جهت گیری های سیاسی، تقوای الهی داشته باشیم.

مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند:

«این که ما عرض کردیم که باید به آرمان ها پایبند بود، اسلام اینها را از ما خواسته است. یک تکلیف دینی است و رعایت آن، تقوای دینی است. تقوای سیاسی هم همراه همین است. تقوای سیاسی؛ یعنی انسان از لغزش هایی که دشمن می تواند از آن استفاده بکند پرهیز کند».

ص: ۸۰



ص: ۸۱

ترنم باران

سلمان هراتی

سپیده سر زد و ما از شب قفس رفتیم

چُنان پرنده شدیم و ز دسترس رفتیم

ز دور، آبی دریای عشق پیدا شد

چو رود، زمزمه کردیم و یک نفس رفتیم

بهار آمد و تشکیل یک گلستان داد

در این میانه نماندیم خار و خس، رفتیم

نیاز محو شدن بود در تن خاکی

که با شنیدن یک بانگ از جرس رفتیم

در این بهار بمانید! شرمتان بادا

خطاست اینکه بگوییدمان عبث رفتیم

علی معلم

این فصل را با من بخوان باقی فسانه است

این فصل را بسیار خواندم عاشقانه است

هفتاد باب از هفت مُصحف برنبشتم

این فصل را خواندم ورق را در نبشتم

از شش منادی راز هفت اختر شنیدم

این رمز را از پنج دفتر برگزیدم

این بانگ را پنج نوبت زن گرفتم

این عطر را از باد در برزن گرفتم

ص: ۸۲

این جاده را با ریگ صحرا پویه کردم

این ناله را با موج دریا مویه کردم

این نغمه را با جاشوان سِند خواندم

این درد را با جوکیان هند خواندم...

(قسمتی از مثنوی بلند «هجرت»، علی معلم)

ناصر حامدی

زمین مست است، مست از عشق عالمگیر ایرانی

زمان مست است از آرامش و تدبیر ایرانی

برای دیدن ما چشم هایی نو فراهم کن

نگاهی نو برای دیدن تصویر ایرانی

ببین تاریخ را عمری رها بودیم و آزاده

نبوده حلقه زنجیر در تقدیر ایرانی

ببین تاریخ را هرجا که دشمن پای کج کرده

نشسته بر تنش ناگاه داغ تیر ایرانی

ببین تاریخ را ما پهلوانان دماوندیم

هماره بوده دست دیو در زنجیر ایرانی

به روباهان بگو از گوش هاشان پنبه برگیرند

امان از غرّش رعب آفرین شیر ایرانی

علی محمد مؤدب

بی پنجره، بی چهره ما دیوارها بودیم

بودیم و در تاریکی دنیا رها بودیم

ما کور و کر دیوارها، دیوارهایی سنگ

در حسرت آینه دیدارها بودیم

ص: ۸۳

بر بام گور خسروان آوازه می جستیم

این گونه ما آواره آوارها بودیم

بی دشت، بی دریا و بی رویا و بی فردا

عمری اسیر چنبر تکرارها بودیم

پیش از تو ای گلدسته بشکوه باورها

واماندگان بازی پندارها بودیم

دیوارهایی خسته از دیوار بودن ها

دیوارهایی خسته از آوارها بودیم

با بودنت از پیله های آجری رستیم

آینه یوسف ترین دلدارها بودیم

با تو همه شمشیرهایی آتشین و سرخ

شمشیرها آماده پیکارها بودیم

در دست تو سنگ فلاخن های داوودی

آتشفشان ها آری آتشبارها بودیم

ما با تو باران در مصاف هرچه سنگستان

رگبارها رگبارها رگبارها بودیم

بی تو چه بی جا بود بودن، ما کجا بودیم

آتش به جان چون ذره ها پا در هوا بودیم

از بند خود رستیم و از دیوارهای خود

نامت شکست آن سنگ-بازی را که ما بودیم

پس سنگ دست کودکان قدس تا بحرین

سنگ شکست هر طلسم و هر بلا بودیم

ص: ۸۴

سنگ بنای مسجدالاقصای موعودیم

ما که ستون قصر کسری و کیا بودیم

تعویذ ما و کیمیا ما و شفا ما، حیف!

پیش از تو بی قیمت، شکسته، مبتلا بودیم

ای چهره ما در میان قاب ماه ای ماه!

دور از تو تمثالی مقدس زیر پا بودیم

امروز ما هستیم و هستی بر مدار ماست

دیگر گذشت آن دوره که سیاره ها بودیم

فردا از آن توست، از خورشیدها پیداست

فردا که می بینند: ما هستیم، ما بودیم

احمد شهدادی

کجاست آنکه نشان نجابت قم بود

کجاست آنکه دلش جانماز مردم بود

ضریح چشم عقیقش صفای رؤیا داشت

درست مثل غروب گرفته قم بود

خروش بود، خروشی پر از تغزل بود

سکوت بود، سکوتی پر از تلاطم بود

فرشته های خدا شرمگین او بودند

و او میان همین پابرهنه ها گم بود

به چشم آینه رنگین کمان عاطفه بود

به قلب صاعقه ها دشنهٔ تهاجم بود

کجاست سید سبزی که روح باران داشت

بهار سبزی بذری بلوغ مردم بود

ص: ۸۵

اگرچه باغ نگاهش تب شقایق داشت

دلش به خرمی خوشه های گندم بود

در التهاب نفس گیر، در کویر سکوت

به گوش خسته دلان جاری ترنم بود

میان سفره درویشی تواضع او

همیشه نان صفا پونهٔ تبسم بود

فدای معرفت فصل ها که ملتهبند

ز هُرم سوگ بهاری که فصل پنجم بود

عرق نشسته به پیشانی غزل از شرم

دگر مپرس که این شرم، شعر چندم بود

سیدحسن حسینی

هلا، روز و شب فانی چشم تو

دلم شد چراغانی چشم تو

به مهمان شراب عطش می دهد

شگفت است مهمانی چشم تو

بنا را بر اصل خماری نهاد

ز روز ازل بانی چشم تو

پر از مثنوی های رندانه است

شب شعر عرفانی چشم تو

تویی قطب روحانی جان من

منم سالک فانی چشم تو

دلم نیمه شب ها قدم می زند

در آفاق بارانی چشم تو

شفا می دهد آشکارا به دل

ص: ۸۶

اشارات پنهانی چشم تو

هلا توشه راه دریادلان

مفاهیم طوفانی چشم تو

مرا جذب آیین آیینه کرد

کرامات نورانی چشم تو

از این پس مرید نگاه توأم

به آیات قرآنی چشم تو

قیصر امین پور

لبخند تو خلاصه خوبی هاست

لختی بخند، خنده گل زیباست

پیشانی ات تنفس یک صبح است

صبحی که انتهای شب یلداست

در چشمت از حضور کبوترها

هر لحظه مثل صحن حرم غوغاست

رنگین کمان عشق اهورایی

از پشت شیشه دل تو پیداست

فریاد تو تلاطم یک طوفان

آرامشت تلاوت یک دریاست

با ما بدون فاصله صحبت کن

ای آنکه ارتفاع تو دور از ماست

میلاد عرفان پور

به دست غیر مبادا امیدواری ما

نیامده ست به جز ما کسی به یاری ما

به رنج راه بیامیز تا بیاموزی

به خطّ آبله، اسرار پایداری ما

مدام داغ جوان دیده ایم و در تشییع

ندیده است کسی اشک سوگواری ما

به سربلندی سرویم و استواری کوه

به رودهای جهان رفته بی قراری ما

نمانده جای شکایت که در پیِ هر زخم

بلندتر شده طومار بردباری ما

بهار می رسد و پیش پای آمدنش

خوشا که سرخ شود جامه بهاری ما

محمدجواد آسمان

بهار شد یکی از خیل بی قرارانت

که بی قرار کند باغ را بهارانت

به نام مادری اش آفتاب می نازد؛

طلایه دار سحرخیز تک سوارانت

تو سرزمین غرورآفرین ایمانی

فروتن است و دعاگو کویر و بارانت

صبا دمیده و قالب گرفته روز ازل

به شکل نقشه تو قلب دوستدارانت

به گوش جنگل و دریا رسیده تاریخت

شکوه جنگلی ات شور سربه دارانت

ص: ۸۸

به سوی تیرگی غرب و سردسیر شمال

چه سخت سینه سپر کرده کوهسارانت

به احترام تو باید چو رود بود و سرود

قصیده ای به بلندای آبشارانت

ولی زبان مرا جز دعا مجالی نیست؛

قبول باد دعاهای دوستدارانت

قیصر امین پور

شب، شبی بیکران بود

دفتر آسمان پاره پاره

برگ ها زرد و تیره

فصل، فصل خزان بود

هر ستاره

حرف خط خورده ای تار

در دل صفحه آسمان بود

گرچه گاهی شهابی

مشق های شب آسمان را

زود خط می زد و محو می شد

باز در آن هوای مه آلود

پاک کن هایی از ابر تیره

خط خورشید را پاک می کرد

ناگهان نوری از شرق تابید

خون خورشید

آتشی در شفق زد

مردی از شرق برخاست

آسمان را ورق زد

ص: ۸۹

زکریا اخلاقی

خرقه پوشان به وجود تو مباهات کنند

ذکر خیر تو در آن سوی سماوات کنند

پارسایانِ سفرکرده به آفاق شهود

در نسیم صلوات تو مناجات کنند

پیش آیینه پیشانی تو هر شب و روز

ماه و خورشید تقاضای ملاقات کنند

پی به یک غمزه اشراقی چشمت نبرند

گرچه صد مرحله تحصیل اشارات کنند

بعد از این، حکمتیان نیز به سر فصل حیات

عشق را با نفس سبز تو اثبات کنند

قدسیان چون ز تماشای تو فارغ گردند

عطر انفاس تو را هدیه و سوغات کنند

بعد از این شرط نخستین سلوک این باشد

که خط سیر نگاه تو مراعات کنند

هوشنگ ابتهاج

زمانه قرعه نو می زند به نام شما

خوشا شما که جهان می رود به کام شما

درین هوا چه نفس ها پر آتشست و خوشست

که بوی عود دل ماست در مشام شما

تنور سینه سوزان ما به یاد آرید

کز آتش دل ما پخته گشت خام شما

فروغ گوهری از گنج خانه دل ماست

چراغ صبح که بر می دمد ز بام شماست

ز صدق آیینه کردار صبح خیزان بود

ص: ۹۰

که نقش طلعت خورشید یافت شام شما

زمان به دست شما می دهد زمام مراد

از آنکه هست به دست خرد زمام شما

همای اوج سعادت که می گریخت زخاک

شد از امان زمین دانه چین دام شما

به زیر ران طلب زین کنید اسب مراد

که چون سمند زمین شد سپهر رام شما

به شعر سایه در آن بزمگاه آزادی

طرب کنید که پرنوش باد جام شما

ص: ۹۱


شهید مطهری : هر فسادی، مقدمه شکست و بدبختی است و هر تجدید نظر اصلاحی، رحمت‌خدا را تجدید می کند.

ص: ۹۲


داستان انقلاب
۴
تشکیل حزب مردم
۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۶
تشکیل حزب مردم به ریاست اسدالله علم برای ارائه یک چهره دموکراتیک از نظام و جلب مشارکت مردمی و کسب مشروعیت رژیم پهلوی.
۳
کودتا و فرار شاه
۲۸ مرداد ۱۳۳۲
با طرح و حمایت مالی و اجرائی سازمان مخفی اطلاعات بریتانیا و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا سیا علیه دولت محمد مصدق و کشور ایران کودتای ۲۸ مرداد شکل گرفت و شاه برای اولین بار فرار از ایران فرار کرد.
۲
ملی شدن نفت
۲۹ اسفند ۱۳۲۹
مجلس به ملی شدن صنعت نفت، رأی مثبت داد و در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ مقرر شد که کلیه عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری نفت در دست دولت قرار گیرد.
۱
اولین بیانیه سیاسی
۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳
حضرت امام خمینی(ره) در سن چهل و دو سالگی، اولین بیانیه سیاسی خود را صادر کردند. بسیاری این بیانیه را تاریخی‌ترین سند مبارزه امام خمینی (ره) دانسته اند.


داستان انقلاب
۸
تصویب کاپیتولاسیون
۴ آبان ۱۳۴۳
پس از تصویب قانون کاپیتولاسیون در مجلس سنا و سپس مجلس شورای ملی،امام خمینی، سخنرانی افشاگرانه‌ای انجام داد و به روشنگری درباره این افتضاح تاریخی حکومت پهلوی پرداخت.
۷
قیام ۱۵ خرداد
۱۵ خرداد ۱۳۴۲
پس از سخنرانی عاشورایی امام خمینی، عوامل رژیم شاه، سحرگاه امروز، به خانه امام یورش برده و همین امر قیام عظیم ۱۵ خرداد را پایه ریزی کرد، که در آن ۱۵ هزار نفر به خاک و خون کشیده شدند.
۶
کشتار طلاب فیضیه قم
۲ فروردین ۱۳۴۲
در پی برگزاری مجلس روضه خوانی در مدرسه فیضیه قم، با اخلال نفوذیان رژیم در مراسم درگیری سختی روی داد، و نیروهای امنیتی با این بهانه طلاب را به خاک و خون کشیدند.
۵
انقلاب سفید
۶ بهمن ۱۳۴۱
با برگزاری یک رفراندوم تقلبی، انقلاب سفید یا انقلاب شاه و مردم، در دستور کار حکومت قرار گرفت و همین اشتباه باعث شد حضرت امام خمینی (ره) نوروز سال ۴۲ را عزای عمومی اعلام فرمودند.


داستان انقلاب
۱۲
تاریخ شاهنشاهی
۲۵ اسفند ۱۳۵۴
مجلس شورای ملی و سنا در یک اجلاس مشترک تصویب کردند که مبدا تاریخ به شاهنشاهی تغییر یابد و مردم و سازمان های ملی و دولتی موظف شدند تاریخ جدید را به کار برند.
۱۱
تشکیل حزب رستاخیز
۱۱ اسفند ۱۳۵۳
ایران یک حزبی شد
حزب رستاخیز ملت به منظور برچیدن سایر حزب ها، به عنوان تنها حزب قانونی کشور، کار خود را آغاز کرد. این حزب توسط امام خمینی به شدت تحریم گردید.
۱۰
تبعید به عراق
۱۳ مهر ۱۳۴۴
رژیم پهلوی تبعیدگاه امام خمینی (ره) را از ترکیه به عراق منتقل نمود، که با استقبال بی نظیر مردم عراق، مخصوصا در شهرهای کاظمین، کربلا و نجف مواجه گردید.
۹
تبعید به ترکیه
۱۳ آبان ۱۳۴۳
صدها کماندو به همراه مزدوران ساواک به منزل امام در قم حمله ور شدند. ایشان را دستگیر و به تهران منتقل کردند و سپس با یک هواپیمای نظامی ایشان را به ترکیه تبعید کردند.


داستان انقلاب
۱۶
مهاجرت به پاریس
۱۳ مهر ۱۳۵۷
امام به منظور رهایی از حصر رژیم بعث به فرانسه مهاجرت و در نوفل لوشاتو اقامت گزیدند. این امر موجب تسهیل در رهبری حضرت امام و تسریع در انقلاب اسلامی شد.
۱۵
جمعه سیاه خونین
۱۷ شهریور ۱۳۵۷
امروز مکرر عاشورا و میدان ژاله مکرر کربلا می شود. در جمعه سیاه، مردم تهران در قیامی خونین، ناجوانمردانه مورد هدف ماموران رژیم قرار گرفته و صدها تن کشته و زخمی شدند.
۱۴
سینما رکس آبادان
۲۸ مرداد ۱۳۵۷
ساواک و عوامل رژیم پهلوی جهت بدنام کردن انقلاب اسلامی مردم ایران، به عمد سینما رکس آبادان را به آتش کشیدند، که در آن ۳۷۷ نفر به طرز فجیعی کشته شدند.
۱۳
شهادت مصطفی خمینی
۱ آبان ۱۳۵۶
آیت‌الله سید مصطفی خمینی، ۱۵ ماه مانده به پیروزی انقلاب، به شکل مرموزانه‌ای به شهادت رسید.
حضرت امام خمینی (ره) شهادت ایشان را از الطاف خفیه الهی دانستند.

ص: ۹۳


داستان انقلاب
۲۰
تشکیل دولت موقت
۱۴ بهمن ۱۳۵۷
حضرت امام در مصاحبه ای از تشکیل دولت موقت توسط شورای انقلاب خبر می دهند و انجام مقدمات رفراندوم را بر عهده دولت موقت می گذارند. به پیشنهاد اعضای شورای انقلاب، بازرگان، برای نخست وزیری دولت موقت در نظر گرفته می شود.
۱۹
سخنرانی در بهشت زهرا
۱۲ بهمن ۱۳۵۷
جمعیتی بالغ بر ۷ میلیون نفر در بهشت زهرا گرد هم می آیند. امام در اولین سخنرانی خود و در جمع مستقبلین، از تعیین دولت توسط خودشان خبر داده و از نیروهای ارتش می خواهند که به مردم بپیوندند.
۱۸
فرار شاه به مصر
۲۶ دی ۱۳۵۷
شاه پس از سالها ظلم و جنایت در حق مردم مسلمان ایران، به همراه همسرش، ایران را به سمت مصر ترک کرد، در حالی که اربابان او از پذیرفتن وی امتناع کردند.
۱۷
روز دانش آموز
۱۳ آبان ۱۳۵۷
دانش آموزان، با تعطیلی مدارس به دانشجویان پیوسته و در اجتماعی جلوی دانشگاه تهران، ۵۶ تن شهید و صدها نفر مجروح شدند. این روز بعدها روز دانش آموز نام گرفت.


داستان انقلاب
۲۲
پیروزی انقلاب اسلامی
۲۲ بهمن ۱۳۵۷
بختیار استعفای خود را مینویسد. فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش، استعفای خود را تقدیم کردند و انقلاب اسلامی ایران پیروز و پادشاهی ۲۵۰۰ ساله و استبداد ۵۰ ساله رژیم پهلوی در ایران، ریشه کن می شود.
۲۱
آشتی ارتش با مردم
۱۹ بهمن ۱۳۵۷
در حرکتی شجاعانه، پرسنل نیروی هوایی ارتش با حضور در اقامتگاه رهبر بزرگ انقلاب اسلامی، با ایشان بیعت کردند و دو روز بعد، در اثر کثرت پایان خدمت سربازی، یک قبضه سلاح و هفت فشنگ در اختیار مردم قرار دادند.

ص: ۹۴

چند تصویر کوتاه از روزهای خاطره انگیز انقلاب

 هواپیمای امام سرانجام صبح امروز در فرودگاه مهرآباد بر زمین نشست.

 سرود «خمینی ای امام، خمینی ای امام» در سالن فرودگاه چنان پرطنین بود که همه را میخکوب کرده بود.

 متن پیام خوشامدگویی که استاد شهید مطهری نگاشته بود(۱) یکی از دانشجویان قرائت کرد.

ماشین حامل حضرت امام در میان سیل جمعیت خروشان ایران اسلامی، راهی بهشت زهرا شد تا امام ضمن تجدید پیمان با شهدای انقلاب، اولین دیدار را با مردم که او را به عنوان امام خود با عشق و علاقه پذیرفته بودند، سخن بگوید.

 سپس امام، سخنرانی تاریخی خود را آغاز می کنند:

بسم الله الرحمن الرحیم.

ما در این مدت مصیبت ها دیده ایم؛ مصیبت های بسیار بزرگ، مصیبت های زن های جوان مرده، مردهای اولاد ازدست داده، طفل های پدر ازدست داده... این آقا که خودش هم خودش را قبول ندارد، رفقایش هم قبول ندارند، ملت هم قبولش ندارد، ارتش هم قبولش ندارد، فقط آمریکا از او پشتیبانی کرده... بر همه ما واجب است که این نهضت را ادامه بدهیم تا آن وقتی که اینها ساقط شوند. ما به واسطه آرای مردم، مجلس مؤسسان و دولت موقت و دولت دائم را تعیین می کنیم.»(۲)

 با اتمام سخنرانی امام، جمعیت مجدداً به سمت جایگاه هجوم آوردند. امام نتوانست سوار بالگرد شوند و بلافاصله سوار بر آمبولانسی شدند که آنجا بود. بالاخره در بین راه امام سوار هلی کوپتر شدند و به سمت تهران پرواز کردند؛ امام بلافاصله به بیمارستان هزار تختخوابی رفتند تا با مجروحانی دیدار کردند که بر اثر حوادث اخیر در آنجا بستری بودند؛ امام از بیمارستان به منزل یکی از بستگان خود رفتند و عصر نیز در تماس با مدرسه رفاه، مسئولان کمیته استقبال را از محل اقامت خود مطلع ساختند.

 در گزارش های روزنامه ها ارقام جالبی از شکستن تلویزیون ها به علت قطع پخش برنامه ورود امام آمده است. (۳)

ص: ۹۶

۱- ۱. سیری در زندگی استاد مطهری، ص ۱۲۸.

۲- ۲. صحیفه نور، ج ۴.

۳- ۳. کیهان، ۱۴/۱۱/۱۳۵۷، صص ۲ و ۸.

□ خبرگزاری یونایتدپرس تعداد مستقبلان را در طول مسیر فرودگاه تا بهشت زهرا چهارمیلیون نفر و در بهشت زهرا نیم میلیون نفر گزارش کرد. رادیو کلن شمار جمعیت را پنج تا شش میلیون ذکر کرده بود. خبرنگاران داخلی نیز تعداد جمعیت را پنج میلیون نفر ذکر کردند.(۱)

□ حدود ساعت ۱۱:۰۵ ماشین حامل امام وارد میدان آزادی شد و پس از یک بار دور زدن میدان و در میان شور و اشتیاق شدید استقبال کنندگان وارد خیابان آزادی شد. ماشین امام که چند نفر هم برای محافظت روی سقف آن نشسته بودند با طی مسافت چند کیلومتری دور میدان و در میان بارانی از گل و گلاب و نقل که بر ماشین می باریـد و اشک های شوق که بر گونه ها جاری بود به سمت دانشگاه تهران به حرکت درآمد.

□ امام در مقابل دانشگاه به علت تراکم بیش از حد استقبال کنندگان به اجبار سخنرانی نکردند و از چهارراه ولی عصر به سوی میدان راه آهن به حرکت درآمدند، شاید یکی از دلایل سخنرانی نکردن امام غیر از تجمع و تراکم در مقابل دانشگاه، وضعیتی بود که گروه های سیاسی برای سوءاستفاده به وجود آورده بودند.

□ امام در اولین شب اقامت در ایران، ساعت ۲۲:۰۵ برخلاف خستگی زیاد، با اعضای کمیته برگزاری استقبال، ملاقات و برای آنان سخنرانی کردند.(۲)

ص: ۹۷

۱- ۱. کیهان، ۱۴/۱۱/۵۷، صص ۳ و ۸.

۲- ۲. کیهان، ۱۴/۱۱/۵۷، ص ۴.



ص: ۹۸

پیشکسوتان شعر انقلاب



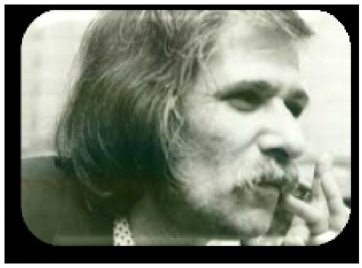
حمید سبزواری؛ سرودخوان درد

حسین آقاممتحنی(حمید) مشهور به حمید سبزواری متولد ۱۳۰۴ از پیشگامان شعر اعتراضی و از فعال ترین شخصیت های ادبی حاضر در بطن انقلاب بود؛ به نحوی که از چند سرود انقلابی ماندگار آن سال ها، آثار او در حافظه ها بیشتر مانده است؛ سرودهایی چون «برخیزید ای شهیدان»، «بانگ آزادی» و بعدها مثنوی حماسی «بگذار تا برگ سفر بر باره بندیم» که از آثار برتر آن روزگاران و یادگاری تا به امروز است. سبزواری پیش از انقلاب، شاعری سنتی بود و تا دهه ۵۰ شعرهایش در حال و هوای قدمایی سیر می کرد؛ اما با ورود جدّی ادبیات و هنر معترض، شعرهای او هم رنگ وبویی تمثیلی می گرفتند: «خوش بهاری بود اگر در بوستان خاری نبود / عندلیبی بود و صیاد ستمکاری نبود / شحنه آنجا حد نمی زد مردم آزاد را / شیخ را اندیشه تکفیر هشیاری نبود». با ورود انقلاب، نوعی از شعر را سرود که صبغه ای جمعی دارد. سرود و دستان و ترانک سه یادگار شعر باستانند. دو طرز نخست، مخصوص دربار سلطان و بار عام او بودند و ترانک، شعرهایی ضربی که برای عوام الناس بود و نسبت به دو نوع قبلی درونمایه ای شاد و مفرح داشت اما «سرود» انقلابی گویا، آمیزه ای از واژگان عاصی مردم به ستوه

ص: ۹۹

آمده ای بود که این بار جمع شده بودند تا بار عام سلاطین را به محشر اعتراض علیه استبداد بدل کنند: «برخیزید برخیزید / جاویدان زندگی جوشد از خاک هر شهید / باز روید لاله از تربت پاک هر شهید / ای انسان چون شهادت سر آغاز زندگی ست / مرگ سرخ رمز آزادی و راز زندگی ست». حمید سبزواری صدای ماندگار نسلی شد که رسانه های شنیداری را با نوع خاصی از ادبیات آرمانگرایانه آشنا کرد و بخش مهمی از شور انقلابی را در سرودهای این چنینی ثبت و ضبط کرد. شعر سبزواری هیچ گاه از آرمان های انقلاب اسلامی عقب نماند. دغدغه لبنان و فلسطین، استعمارستیزی و نبرد قلمی با منافقان داخلی و صد البته بنیان نهادن نحله ای از شعر با صبغه اسلامی که اکنون به شعر آیینی شهرت دارد ـ هر چند آن هم سابقه تاریخی داشته اما قوام و ظهور و پرورش آن در بستر انقلاب و جنگ تاکنون شکل پذیرفته است ـ : «این بانگ آزادی ست، کز خاوران خیزد / فریاد انسان هاست، کز نای جان خیزد/ اعلام طوفان هاست، کز هر کران خیزد / آتشفشان قهر ملت های در بند است/ حبل المتین توده های آرزومند است/ الله اکبر، خمینی رهبر...» مرحوم سبزواری همواره معترض بوده و باقی ماند. جزو معدود شاعرانی است که رنگ وبوی انقلابی خود را حفظ کرده و هیچ گاه از موضع خود عقب نشینی نکرده یا طفره نرفته است. خاطره سخنرانی های آتشین و تند او علیه بسیاری از همکاران شاعرش در نقد منش اجتماعی و ادبی ایشان، ریشه در انقلابی گری او دارد.

ص: ۱۰۰



مهرداد اوستا؛ قصیده سرای اخلاق و زیبایی

_محمدرضا رحمانی یاراحمدی متخلص به مهرداد اوستا متولد ۱۳۰۸ بروجرد است. مجموعه های «حماسه آرش»، «از کاروان رفته» و... حدیث شاعری اخلاق گرا و به قول دوستانش فروتن و نجیب است که قصاید و غزلیات او با زمینه ای حماسی و پیشینه ای فاخر از ادبیات کهن و درس آموزی از مکتب انجمن های ادبی _ که نقش بسزایی در تربیت شاعران جوان در دهه های گذشته داشته اند _ زبانی روان و فصیح و شعری به غایت محکم و ساختارمند از او به یادگار گذاشته است. او چون دیگرهم نسلانش زاده دردی تاریخی در بستر تحولات سریع اجتماعی و سیاسی دهه های پیش از انقلاب و شعرش نتیجه دیدن بی واسطه ظلم ها و تعدی هایی است که بر سر ضعیفان هم روزگار فرو می آمده و شاعر، راوی این زخم های بی بهبود است: «از درد سخن گفتن و از دردشنیدن/ با مردم بی درد ندانی که چه دردی ست». اوستا که در سال های بعد از کودتای سال ۳۲ به زندان رفته بود در سال های بعد با انتشار مجموعه شعر شراب خانگی ترس محتسب خورده_ و کتاب انتقادی _تیرانا_ و نام بردن از امام خمینی در هر دوی این کتاب ها و توقیفشان، هزینه دگراندیشی خود را پرداخت، اما هیچ گاه از فضای فکری و عقیدتی خویش فاصله نگرفت. او در غزلیات نابش همپای شهریار و سایه از محبوب ترین غزل پردازان معاصر محسوب می شود، اما در دیگر قالب های شعری نیز از دغدغه وطن انقلابی و جهانِ آرمانی اش فاصله نمی گیرد: «بشکوه بشکوه ای خاک فلس_ط_ین ای مادر سرگشته وی، گمگشته کودک / در زیر آتش، در بارش رگبار ناوک بشکوه بشکوه ای دختر آواره

ص: ۱۰۱

فلسـطی_ن... .» شاید از این روست که بسـیاری از شاعران آگاه جهان عرب، در سوگ مرگ وی شعرها می سرودند. شاعری که برای دغدغه های جهانی انسان معاصـر می نوشت: «افسوس که سرگشـتگی و خواری ما / اندوه که درماندگی و زاری ما / در عهده جمعی ست که پنداشته اند / آزادی خویش در گرفتاری ما».

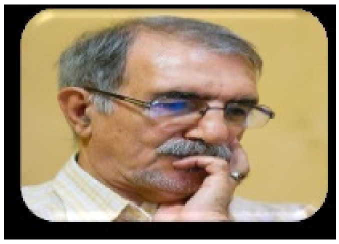
ص: ۱۰۲



طاهره صفارزاده؛ شعر بیداری

دکتر طاهره صفارزاده متولد ۱۳۱۸ در سیرجان، پژوهشگر، مترجم، استاد دانشگاه و در نهایت شاعری به غایت نوگرا و مدرن در شعر امروز ایران است. شخصیتی که زندگی علمی پرفراز و نشیبش را از تحصیل در دانشگاه های امریکا، به پژوهش و راه اندازی بخش ترجمه در ایران منتهی کرد؛ شاعری که نامداری در غربت را به پرورش فرزندان وطن ترجیح نداد. مجموعه شعرهای یادگار این «بانوی دانشمند مسلمان» با شناختی که از ادبیات و نقد ادبی معاصر جهان دارد، آمیزه ای از مدرنیسم با ریشه های عمیق اسلامی ـ انسانی است. بی شک بین هم نسلان سپیدسرایش ـ تاکنون حتی ـ اجرای شعر سپید آیینی مدرن، تا به این حد تعالی زبانی و معنایی نداشته است. صفارزاده از ـسفر پنجم ـ تا ـدیدار با صبحش ـ با استفاده از گنجینه پژوهش قرآنی و اسلامی خود و آشنایی با زبان شعر، پیشنهادی به جامعه ادبی می دهد که حتی سال ها بعد از او نیز، اجرای آثار مشابه به دلیل مسلط نبودن بر یکی از آن دو عنصر یادشده، چنانکه باید، پذیرفته نمی شود. صفارزاده، هم شیوه های ترجمه ادبی صحیح و نقد متون علمی را در دانشگاه های ایران برای نخستین بار تدریس و هم در فراغت های خویش، قرآن کریم را ترجمه کرد. مرحوم طاهره صفارزاده حلقه اتصال ادبیات معاصر جهان با ادبیات نوی آیینی بود که تعریفی اسلامی و انقلابی از شعر عرضه می کرد: «بخوان بلند بخوان/ در صبح این تلاوت معصومانه/ صدای ناب اذان می آید/ وقتی صدای ناب اذان می آید/ دل در حضور می آید/ دل حاضر است/و سهم گرم بودن خود را/ از نور این پیام قدسی بی مرز/ از بطن این ستون صوتی معنا/ برمی دارد».

ص: ۱۰۳



علی موسوی گرمارودی؛ شاعر انقلاب

علی موسوی گرمارودی، شاعر و پژوهشگر و مترجم و یکی از مدیران فرهنگی انقلاب، در ۱۳۲۰ شمسی، در شهر قم زاده شد. از شعر عبور کرد تا به سایه سار نخل ولایت رسید و در _فصل مردن سرخ_ به _سرود رگبار_، _خط خون_ در _چمن لاله_ _کشید_ و این گونه با کوله باری از مجموعه های شعر و پژوهش هایی چون _نقبی بر ادبیات تاجیکستان_ و... از نام های ماندگار و تأثیرگذار شعر معاصر شد به طوری که به همراه تنی چند از دوستان شاعرش، از شخصیت هایی شد که از طریق صدا و سیما، سعی می کرد ادبیات آیینی و انقلابی را در سطح عموم جامعه تبیین و نقشی به سزا در حفظ ارتباط قشرهای مختلف مردم با ادبیات و رسانه ایفا کند. گرمارودی به دلیل تسلط بر قالب های مختلف شعر فارسی، در همه این سبک ها سروده و نوشته است. او نیز مثل صفارزاده، در اجرای شعر سپید آیینی نقشی بسزا دارد. شعرهایی ماندگاری از او در این نحله فراگیر بعد از انقلاب به جا مانده و تأثیرات فراوانی داشته است: «چنین است گویی/ که با جامی خالی/ بر ساحلی صخره ای/ پیش روی امواج/ ایستاده ام./ واپاش ساحل کوب موج ها/ صخره زیر پایم را می شوید / و من هر بار/ _ که موجی در می رسد _/ جام بر کف/ خم می شوم/ به بوی سهمی/ که از کاکل موج برگیرم/ اما از آن پیش/ موج در خود واشکسته است.../ و من، عزمی دوباره را/ چون پرچمی/ بر صخره واپس می ایستم/ دگر باره چون موجی پیش می رسد/ جام را چون داسی قوس می دهم / تا از سرخوشه آب/ دسته ای واچینم/ اما باز / جام خالی ست/ و دریا در موج/ و فاصله/ به درازای یک دست/ و به دوری یک تاریخ!.../ شتک خیزاب امواج/ تنها / یک _ دو قطره/ بر دیواره شفاف جام می چکاند/ و عطارد، در جام من است/ «نهج البلاغه» را می بندم».

گرمارودی با تسلطی که بر همه قالب های شعری داشته است، از تسلطی متقن بر قصیده سرایی و غزل پردازی تا اجرای نوعی از شعر آزاد با تکیه بر دامنه واژگانی گسترده و سنتی و حضور فعال در عرصه مدیریت فرهنگی و رسانه ای کشور، از منادیان تفکر انقلاب اسلامی بوده و هست.

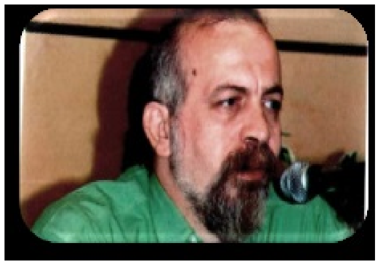


نصرالله مردانی؛ روایتگر قیام نور

نصرالله مردانی، سال ۱۳۲۶ شمسی در کازرون متولد شد و از آثار ارزشمند ایشان می توان الماس آب، _قیام نور_، _آتش نی_ را نام برد. کوچه ها و خیابان های بسیار بخشید. او در دهه های شصت و هفتاد از فعالان جشنواره ها و همایش های ادبی سراسر کشور بود. مراسمی که در شناسایی و جذب استعدادهای جوان، سمت وسوبخشی به تفکر ادبی کشور و قوام اندیشه انقلابی اسلامی در شعر بسیار اهمیت داشته و قابل بررسی است. اهمیت مردانی در شعر انقلاب، تولید نوع خاصی از شعر آن روزگاران بود که محملی سریع و ظرفیت دار برای روحیه انقلابی و درک ادبی مردمان آن دوره بود؛ شعری که با تکیه بر سنت شعر کلاسیک، با روحیه ای انقلابی و مضامینی نو و امیدبخش، به بیان شورانگیز حماسه های مردمی می پرداخت و دوستداران شعر انقلاب را به سبکی ساده و ادبی فرا می خواند: «از خوان خون گذشتند صبح ظفرسواران/ پیغام فتح دادند زان سوی جبهه یاران/ ای ابر پرصلابت، آبی ز دیده بفشان/ با مرگ لاله طی شد افسانه بهاران/ بی باوران عالم با چشم دل ببینید/ آیینه زمان است این پیر در جماران».

مردانی در غزل معاصر کوشید تا اسطوره و نماد را در خدمت شعر آیینی درآورد و به نوعی با فاصله گرفتن از تداعی های سنتی گل و بلبل در شعر کهن و سیاه انگاری گرایش های رادیکال روشنفکرانه، به شعر، زبانی استعاری با درون مایه دینی بخشد که هم مهیج باشد و هم موافق با روحیه مردمی انقلابی. او یکی از روایتگران صحنه های انقلاب به زبان شعر است.

ص: ۱۰۵



سیدحسن حسینی؛ آواز جبرئیل شعر

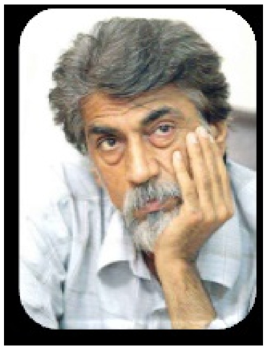
«امروز لفظ پاک «حزب الله»/ گویا که در قاموس «روشنفکر» این قوم/ دشنام سختی است! / اما، من خوب یادم هست/ روزی که «روشنفکر»/ در کافه های شهر پرآشوب/ دور از هیاهوها /عرق می خورد/ با جان فشانی های جانبازان «حزب الله»/ تاریخ این ملت/ ورق می خورد»

مرحوم سیدحسن حسینی، در اول فروردین ۱۳۳۵ در تهران متولد شد. پس از پایان تحصیلات متوسطه به دانشگاه مشهد رفت و در رشته کارشناسی تغذیه در سال ۱۳۵۸ فارغ التحصیل شد. وی در سال ۱۳۵۹، به خدمت سربازی رفت و طی این دوران، کار نویسندگی برنامه های رادیویی ارتش را بر عهده گرفت. دکتر حسینی، یک سال پیش از این، به همراه تعدادی از شاعران و هنرمندان، جلسه های نقد و بررسی شعر را در حوزه هنری آغاز کرده بود که این فعالیت ها تا سال ۶۶ ادامه داشت. سال ۱۳۶۹ زنده یاد حسن حسینی برای ادامه تحصیل به دانشگاه رفت و رشته زبان و ادبیات فارسی را تا مقطع دکترا گذراند. وی دو سال پیش از این، تدریس در دانشگاه های الزهرا و آزاد را آغاز کرده بود. سیدحسن حسینی با «هم صدا با حلق اسماعیل» و «گنجشک و جبرئیل»، توانست در توالی حرکت صفارزاده و گرمارودی، گرایشی جدید در شعر آزاد را با گرایش مذهبی بنیان کند. او شعر را چون شمشیری آخته برای دفاع از ارزش های معنوی جامعه دانست و طرز ادبی را به مثابه ساختاری برای این نظام شعری به کار گرفت. تفنن در شعر او راه نداشت.

ص: ۱۰۶

از همین روست که می توان تاریخ وقایع و شخصیت ها و مسائل مختلف فرهنگی و اجتماعی ایران را در شعر او جست و جو کرد: «بدون اطلاع قبلی/ دم در بیمارستان شهید می شوم / و در حاشیه میدان شهدا / فرشته جوانی در دل آه می کشد/ و آرزوهای گرسنه مرا بدرقه می کند...» حسینی اگر چه در قالب ریزی نظام فکری خود در شعر آزاد موفق عمل می کند اما در طرح و بست نوعی از سرایش رباعی انقلابی آیینی نیز سهم بسیاری دارد؛ زبان ساده و طرح هایی که آمیزه عشق و مذهب در بسیاری از آنها دیده می شود: «آنان که زبان عشق را می دانند/ لب بسته سرود عاشقی می خوانند/ با رفتن شان ترنم آمدن است / خورشید غروب کرده را می مانند» غروب نابه هنگام او، فقدان لحن خاصی از شعر آیینی امروز بود که کسی جایش را پر نکرد.

ص: ۱۰۷



قیصر امین پور؛ تنفس صبح

دزفول، شاعران و ادیبانی دارد بسیار. انگار روح مقاومت در آن شهر، به روحیه ایستادگی جوانانش تزریق شده و سال های گرم جنوب را در «آینه های ناگهان» و «تنفس صبح» جاری کرده است؛ مرحوم قیصر امین پور یکی از این شاعران است و شاید تنها شاعری از جمع شاعران انقلاب، که مقبولیت همه طیف ها را با خود داشته و هر چند معتقد به «دستور زبان عشق» بوده اما گل های شعرش همیشه آفتابگردان بوده اند!

قیصر متولد ۱۳۳۸ است. روستایی زاده ای ساده، که در شعر متعادل بوده و پرهیزکار. همه قالب ها را آزموده و این تعادل در اشعار، خصیصه شاعرانگی و اتفاقاً موفقیت اوست. او بر خلاف بیشتر هم نسلانش در شعر آیینی و انقلابی، سبک و طرزی نو فراهم نیاورد، بلکه در قوام فکری و بسط شعر و اندیشه اش کمال سعی را کرد؛ اندیشه ای آرام و روحی دریایی؛ انگار که انقلاب و جنگ در اشعارش به عرفانی ناب رسیده باشند که ریشه در تساهل و تسامح ادبی قرون گذشته با تاریخ بوده است: «وقتی جهان از ریشه جهنم / آدم از عدم / و سعی/ از ریشه های یأس می آید/ وقتی که یک تفاوت ساده در حرف / کفتار را به کفتر تبدیل می کند / باید به بی تفاوتی واژه ها/ و واژه های بی طرفی/ مثل نان دل بست / نان را از هر طرف بخوانی نان است.» قیصر گویا نبض زمانه شعر را در دست دارد. وقتی شعر در تودرتویی طرزها و نگارش ها وول می خورد، او با نزدیک شدن به زبانی ساده و روان، با دایره واژگانی عرفانی، از زبان حماسه دور می شود

ص: ۱۰۸

و در رجعتی دوباره به دایره تغزل و عرفان، شعر را لطافتی دیگرگونه می بخشد. انگار آیین در باور او شکوفه داده باشد. بهترین شعرهای قیصر، نیمایی های اویند. _شعری برای جنگ_، _یادداشت های گم شده_ و... قیصر با اعتماد به میانه روی نیمایی در شعر دهه های شصت و هفتاد و بازگشتی آگاهانه به نوعی تعادل فکری و روحی در شعر، نامش را در رده بهترین های شعر انقلاب جا داد. هر چند شعر کلاسیک قیصر، کوتاه سرودهای او و حتی پژوهش های به جا مانده اش را نمی توان نادیده گرفته و هریک، حداقل فتح بابی در گونه ادبی خود بوده است: «سراپا اگر زرد و پژمرده ایم/ ولی دل به پاییز نسپرده ایم/ چو گلدان خالی لب پنجره/ پر از خاطرات ترک خورده ایم/ اگر داغ دل بود، ما دیده ایم/ اگر خون دل بود، ما خورده ایم / اگر دل دلیل است، آورده ایم/ اگر داغ شرط است، ما برده ایم»...

ص: ۱۰۹

مؤلفه های ادبیات انقلاب اسلامی

مؤلفه های ادبیات انقلاب اسلامی(۱)

گستره زمانی: این ادبیات همزمان با پیدایش نهضت اسلامی ملت ایران، از اوایل دهه ۴۰ به این سو شکل گرفته و تاکنون حدود نیم قرن از پیدایش آن می گذرد. طبعاً آثاری که در این محدوده زمانی آفریده شده باشند یا از این پس آفریده می شوند، به شرط برخورداری از ویژگی هایی که در پی خواهد آمد، می توانند جزو ادبیات انقلاب اسلامی به شمار آیند.

بازگشت به خویشتن: ادبیات انقلاب اسلامی بر اساس دفاع از هویت و بازگشت به خویشتن در برابر هجوم سیاسی، فکری و فرهنگی استعمار شکل گرفته و هرگونه تسلیم از سر ذلت در برابر بیگانه را نفی می کند. بر این اساس، همه آثاری که با محوریت اصالت های فرهنگ خودی آفریده شده اند، حتی اگر به عنوان بخشی از ادبیات انقلاب اسلامی شناخته نشده باشند، یکی از مؤلفه های مهم این ادبیات را دربردارند.

آرمان گرایی و عدالت خواهی: ادبیات انقلاب، آرمان گرا و عدالت خواه است و این ویژگی باعث می شود همواره به ناهنجاری ها، نابسامانی ها و بی عدالتی های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه و جهان و هرگونه تبعیض و استبداد معترض بماند. بر این مبنا، ادبیاتِ سازشکار و توجیه گر، حتی اگر خود را مصداق ادبیات ناب انقلاب هم بداند، خارج از مقوله و محدوده ادبیات انقلاب اسلامی خواهد بود. بر پایه همین نگاه است که می بینیم شاعران و نویسندگان انقلاب، در طول این دوران و در موارد بسیار، ناهنجاری های اجتماعی و مشکلات مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و جهان را نقد کرده اند.

مردم گرایی: ادبیات انقلاب، مردمی است و به باورها و اعتقادات مردم و دیدگاه های دینی و ملی آنان احترام می گذارد و خود را در برابر مشکلات، دغدغه ها و

۱- ۱. دکتر محمدرضا ترکی.

رنج های قشرهای فرودست جامعه مسئول می بیند و به دلیل همین ویژگی، مخاطبان خود را از میان مردم برمی گزیند و برای ارتباط با مردم از زبان و بیانی نزدیک به آنان بهره می برد.

شاعران و نویسندگان این گفتمان ادبی همواره از دردهای مردم سخن گفته و در این زمینه با آنان همدلی کرده اند و برخی از آنان به همین دلیل در سال های پیش از انقلاب شکنجه و به زندان و تبعید محکوم شده اند. البته باید میان ادبیات مردمی و ادبیات عوامانه و عامه پسند فرق قائل شد. ادبیات مردمی، ادبیاتی است خلاقانه و مبتنی بر هنر که به صورت جدی مشکلات اجتماعی را پیگیری می کند، اما ادبیات عامه پسند تنها به سرگرم کردن گروه هایی از مردم می پردازد.

نمادها و تمثیل ها: نمادها و نشانه ها، با تداعی ها و مفاهیم تو در تویشان، از مهم ترین درونمایه های متون ادبی هستند. نحوه شکل گیری و حضور نمادها در متن ادبی، تا حدود زیادی می تواند هویت و سمت گیری فکری و فرهنگی آن را تعیین کند و نشان بدهد یک اثر می تواند زیرمجموعه ادبیات انقلاب اسلامی محسوب شود یا نه. طبعاً حضور نمادهای مذهبی، عرفانی و ملی در چارچوب یک نگاه حماسی، خواه ناخواه، به یک اثر، صبغه ادبیات انقلاب اسلامی می بخشد و نمادهای لائیک و غیرحماسی اثر را از این مقوله دور می کند.

استفاده از قالب های متنوع: براساس استقرای آثار موجود، ادبیات انقلاب، قالب ادبی خاصی را برنمی تابد و خود را در قالب و زبان و شیوه خاصی، از سنتی و نو و قدیم و جدید محصور نمی کند و از همه امکانات موجود به ویژه زبان نو و قالب های مختلف شعر و داستان و... برای بیان مفاهیم خویش کمک می گیرد. به همین دلیل است که هم قالب های کهن و سنتی در عرصه ادبیات انقلاب حضور دارند و هم قالب های نو و آثار موفقی در هر دو شیوه و در اشکال مختلف آنها به قلم سخن سالاران این ادبیات آفریده شده است.

مضامین اسلامی، قرآنی و عرفانی: محتوای ادبیات انقلاب اسلامی موجب شده است مضامین اسلامی و قرآنی و اشارات عرفانی در آن پر بسامد باشد. در این میان، نگاه حماسی به مذهب، به خصوص حادثه بزرگ عاشورا، جایگاه ویژه ای در منظومه فکری این ادبیات احراز می کند. مضامینی چون انتظار، موعودگرایی، وحدت اسلامی، شهادت و... نیز از درون مایه های رایج این ادبیات است.

ص: ۱۱۱

تعهـد در ادبیـات: ادبیـات انقلابی نوعی ادبیات متعهـد است و خود را در برابر باورها و آرمان های انقلاب و سـرنوشت جامعه مسئول می بیند. شاعر و نویسنده انقلابی، انسان مسئولی است که از رنج های همنوعان خویش در هر جای جهان رنج می برد.

براساس نگرش این شاعران و نویسـندگان، نظریه هنر برای هنر و ادبیات برای ادبیات، فروکاستن از ارزش هنر و ادبیات است و هر هنرمنـد، شاعر و نویسـنده ای، به دلیل انسانیتی که از آن بهره منـد است، نمی تواند در برابر رنج های بشـری بی اعتنا باشد. هنرمنـد، همـان گونه که در برابر ذات هنر و هـدف هنر که زیبـایی آفرینی است، متعهـد است، در برابر منش انسانی و وجـدان اخلاقی خویش نیز مسئولیت دارد.

نگـاه باورمنـدانه: ادبیـات انقلاب، ادبیـاتی ایـدئولوژیک؛ یعنی مکتبی است؛ به این معنی که به حقـایقی در این جهـان بـاور و اعتقاد دارد و در نگریستن به جهان، مبانی دینی و ارزش های الهی را در نظر می گیرد. ادبیات اخلاق مـدار، نگاه امیدوارانه و منظر انسانی و جهانی از دیگر مؤلفه ها و مشخصه های ادبیات انقلاب اسلامی است.

برخی از ایـن مؤلفه هـا از اهمیـت بیشـتری برخوردارنـد و برخی شـمول بیشـتری دارنـد و می تواننـد به نحوی بـا برخی دیگر همپوشانی داشـته باشند؛ اما این ویژگی به هیچ وجه از اهمیت و ارزش آنها نمی کاهد؛ زیرا این مؤلفه ها شاخص هایی هستند که می توانند محدوده و دامنه ادبیات انقلاب اسـلامی را مشخص کنند. به یقین می توان مولفه های دیگری را نیز بر این شمار افزود. به نظر می رسد، بعد از گذشت چند دهه از حادثه بزرگ انقلاب اسـلامی و پدیدآمدن آثار مختلف اجتماعی، فرهنگی و ادبی آن، اینـک زمـان آن فرا رسـیده باشـد از منظری درست، به توصـیف و تحلیل و ارزیابی آنچه رخ داده است، بپردازیم. بـدون در نظر گرفتن این ضـرورت، ممکن است در آینده ای نه چندان دور، بخش هایی از واقعیت در غباری از گذشت زمان از یادها برود و احیاناً دچار تحریف های خواسته یا ناخواسته بشود.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹